

بررسی تأثیر متقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر

فرهاد طلائی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۳

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

تاریخ تأیید: ۹۲/۰۶/۱۸

فرزانه پورسعید^۲

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

چکیده

این مقاله به بررسی تأثیر متقابل حقوق بشر و صلح بر یکدیگر می‌پردازد. تجربه تاریخی جوامع بشری نشان داده است که صلح و حقوق بشر ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر داشته‌اند. چنین تجربه‌ای در دوران معاصر به گونه‌ای رشد و توسعه یافته است که ملت‌ها و دولت‌های جهان به این باور رسیده‌اند که حقوق بشر و صلح لازم و ملزوم یکدیگر هستند؛ به گونه‌ای که نمی‌توان بدون رعایت حقوق بشر به صلح واقعی و پایدار دست یافت؛ و بدون وجود صلح نیز نمی‌توان انتظار داشت که حقوق بشر به طور کامل مورد احترام و رعایت قرار گیرد. از سویی دیگر در دوران معاصر این ارتباط به گونه‌ای رشد و توسعه نموده است که برخورداری از صلح خود به عنوان یکی از نمونه‌های برجسته نسل سوم حقوق بشر مطرح بوده و حق برخورداری از صلح به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر مطرح شده است؛ به گونه‌ای که تحقق عملی دیگر حقوق بشر وابسته به وجود آن در نظر گرفته می‌شود. به بیانی دیگر حق برخورداری از صلح اساس دیگر حقوق بشر را تشکیل می‌دهد؛ چرا که بدون تحقق حق برخورداری از صلح امکان اجرای نسل اول حقوق بشر^۳ (حقوق مدنی و سیاسی) و نسل دوم حقوق بشر^۴ (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و حتی نسل سوم حقوق بشر^۵ (حقوقی همچون حق توسعه و حق برخورداری از محیط زیست شایسته) وجود ندارد.

در این راستا است که این مقاله با بررسی اسناد بین‌المللی همچون منشور سازمان ملل متحد^۶، اعلامیه جهانی حقوق بشر^۷، میثاق‌های بین‌المللی سازمان ملل متحد راجع به حقوق بشر^۸، قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی عمومی سازمان ملل متحد (به ویژه اعلامیه حق مردمان در برخورداری از صلح - قطعنامه ۳۹/۱۱ مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۴ میلادی^۹)، و قطعنامه ترویج صلح به عنوان یک الزام اساسی برای برخورداری کامل همگان از

1. Email: dr_farhad_talaie@yahoo.com (نویسنده مسئول)

2. Email: f.poorsaied@gmail.com

3. The First Generation of Human Rights

4. The Second Generation of Human Rights

5. The Third Generation of Human Rights

6. The Charter of the United Nations (1945)

7. The Universal Declaration of Human Rights (1948)

8. The UN International Covenants on Human Rights

9. Declaration on the Right of Peoples to Peace, UNGA Resolution 39/11, 12 November 1984.

تمامی حقوق بشر - قطعنامه ۶۲/۱۶۳ مورخ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۷ میلادی^۱، و قطعنامه‌های مربوطه کمیسیون حقوق بشر و شورای حقوق بشر نشان می‌دهد که چگونه حقوق بشر و صلح به عنوان مفاهیمی وابسته به یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند به گونه‌ای که تحقق یکی، بدون دیگری به طور کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. در نهایت این مقاله نتیجه می‌گیرد که احترام به حقوق بشر و رعایت کامل این حقوق بدون صلح امکان‌پذیر نمی‌باشد و دستیابی به صلح پایدار و واقعی نیز بدون احترام به حقوق بشر و رعایت کامل این حقوق امکان‌پذیر نمی‌باشد. بر این اساس همه ملتها و دولت‌ها باید کوشش نمایند تا از طریق احترام بیشتر به حقوق بشر در جهت تأمین و تقویت صلح در جهان بکوشند و با خودداری از اقداماتی که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازند نقش خود را در جهت تحقق کامل حقوق بشر در سطح جهان ایفاء نمایند. بدیهی است در جهانی که دولت‌ها در صلح و آرامش با یکدیگر به سر می‌برند، حقوق بشر پویاتر و مؤثرتر مورد احترام و رعایت قرار خواهد گرفت و در چنین جامعه جهانی است که منافع همه ملتها تأمین و تضمین خواهند شد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حق برخورداری از صلح، مجمع عمومی، شورای امنیت، کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر، یونسکو، سازمان بین‌المللی کار

مقدمه

مفاهیم و آرمان‌های صلح و حقوق بشر مفاهیم و ارزش‌هایی نیستند که در یکی دو دهه اخیر در جامعه جهانی پدیدار گشته و مورد توجه قرار گیرند. در یک نگرش عمیق به پیشینه این مفاهیم می‌توان قدمت آن‌ها را با تاریخ بشر، به ویژه از زمان شکل‌گیری تمدن‌های بشری، قرین و همراه دانست. هر چند با نگرشی دیگر به تاریخ بشر همچنین می‌توان مشاهده نمود که جامعه بشری شاهد وقوع جنگ‌های بسیار و نقض حقوق انسانی بشر بوده است، توجه به ارزش‌هایی همچون صلح و حقوق بشر در دوران‌های گذشته بی‌سابقه نبوده است^۲. به هر حال باید توجه داشت که جامعه بین‌المللی به سادگی به این دوره از تاریخ نرسیده است، دوره‌ای که در آن مفاهیمی همچون صلح و حقوق بشر به عنوان ارزش‌هایی مطرح گردند که تحقق یکی بدون دیگری به صورتی

1. Promotion of Peace as a Vital Requirement for Full Enjoyment of All Human Rights by All, UNGA Resolution 62/163, 18 December 2007.

۲. از جمله مهم‌ترین اسنادی که پس از وقوع جنگ‌های با گستره جهانی پذیرفته شده و به حفظ صلح و رعایت حقوق بشر به عنوان اهدافی بنیادین توجه داشته‌اند، می‌توان به میثاق ۱۹۱۹ جامعه ملل و منشور ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد (در شکل کامل‌تر آن نسبت به میثاق جامعه ملل) اشاره نمود. مقدمه میثاق جامعه ملل و برخی از مواد این میثاق (مانند ماده ۲۳) به ضرورت حفظ صلح و رعایت گونه‌هایی از حقوق بشر (به ویژه حقوق کارگران از جمله زنان و کودکان) اشاره دارند. در ضمن در منشور سازمان ملل متحد در ماده ۱ (بندهای ۱ و ۳) به طور مستقیم به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و احترام به حقوق بشر به عنوان اهداف سازمان ملل متحد اشاره می‌نماید. همچنین به بخش سیزدهم معاهده صلح ورسای (۱۹۱۹) و مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار بنگرید.

کامل امکان‌پذیر نمی‌باشد. در واقع با وجود تجربیات گرانبهایی که جامعه بین‌المللی در قرون گذشته و به ویژه در طی جنگ‌های جهانی اول و دوم به دست آورده است، جامعه بشری همچنان در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم شاهد جنگ‌های بین‌المللی و داخلی بوده است که وقوع فجایع انسانی در یوگسلاوی سابق، رواندا و دارفور (سودان) نمونه‌هایی از آن‌ها می‌باشد. در همین راستا نمونه دیگری که لازم است بدان اشاره گردد، استفاده‌های غیرانسانی و غیرقانونی عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی این کشور بر ضد ایران می‌باشد. با وجود گذشت بیش از دو دهه از پایان این جنگ آثار استفاده‌های غیرانسانی و غیرقانونی عراق از این گونه از سلاح‌ها بر ضد اتباع ایرانی و عراقی، از جمله غیرنظامیان، همچنان در آلام و رنج‌های آن‌ها پدیدار می‌باشد، آلام و رنج‌هایی که هرگز قابل جبران نمی‌باشند.

هر چند وجدان جامعه بشری پیش از وقوع چنین فجایع انسانی و به ویژه با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم، نسبت به اهمیت حفظ صلح و احترام به حقوق بشر آگاه گردیده، با این وجود جامعه بین‌المللی هنوز به آن جایگاهی نرسیده که بتواند از وقوع چنین فجایع انسانی پیشگیری نموده^۱ و بتواند به طور دسته جمعی و به صورتی کامل ارزش‌هایی همچون صلح و حقوق بشر را به عنوان ارزش‌هایی حفظ و رعایت نماید که عدول و انحراف از آن‌ها به هیچ‌وجه از سوی هیچ کشور و ملتی قابل پذیرش نمی‌باشد^۲. با این وجود جامعه بین‌المللی در راستای

۱. سناتور کانادایی Douglas Roche در سخنرانی خود با عنوان «حق نسبت به صلح» در کنفرانس بین‌المللی حقوق جهانی و ارزش‌های بشری در سال ۱۹۹۸ میلادی به برخی از آثار و نتایج فاجعه‌آمیز جنگ‌های رخ داده پس از جنگ جهانی دوم اشاره می‌نماید. وی اظهار می‌دارد که بیش از ۱۰۰ میلیون نفر (که ۹۰ درصد آن‌ها را غیرنظامیان تشکیل داده‌اند) در طی ۱۷۰ جنگ رخ داده پس از جنگ جهانی دوم کشته شده‌اند و در حال حاضر حدود سی جنگ که بیشتر آن‌ها در داخل مرزهای ملی کشورها می‌باشد، در حال رخ دادن هستند.

“The Right to Peace”, Canadian Senator Douglas Roche Speech, International Conference on Universal Rights and Human Values, a Blueprint for Peace, Justice and Freedom”, Edmonton, Alberta, Canada, 26-28 November 1998. Available at: <http://www.peace.ca/senatorroche.htm>, pp. 1-2, at 1.

۲. باید توجه داشت که در دهه‌های گذشته برخی از حقوقدانان، از جمله حقوقدانان کمیسیون حقوق بین‌الملل، نمونه‌هایی از قواعد آمره (Jus Cogens) را در چهارچوب حقوق بشر، مانند منع بردگی و منع کشتار جمعی، مورد توجه قرار داده‌اند. با این وجود به نظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی همچنان نیازمند تحکیم بخشیدن به این دیدگاه و گسترش آن به تمامی حقوق بشر از جمله «حق برخورداری بشر از صلح» می‌باشد. در ضمن در دهه‌های اخیر نیز در راستای تحقق کامل اصل «منع استفاده از تهدید و زور در روابط بین‌الملل» کوشش‌هایی در جهت تثبیت «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» به عنوان یکی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل صورت گرفته‌اند که این‌گونه کوشش‌ها می‌تواند در جهت تحقق کامل و پایدار صلح و رعایت حقوق بشر در سطح جهان مؤثر باشند.

رسیدن به چنین جایگاه‌هایی کوشش می‌نماید و در همین راستا از هر کوششی برای تحکیم صلح و بهبود رعایت حقوق بشر در سطح جهان دریغ نمی‌نماید.

بر این اساس در دهه‌های اخیر تحولات قابل توجهی در دیدگاه جامعه بین‌المللی نسبت به ارزش‌هایی همچون صلح و حقوق بشر صورت گرفته است، به گونه‌ای که جامعه بشری در چهارچوب نسل سوم حقوق بشر شاهد شکل‌گیری گونه جدیدی از حقوق بشر به عنوان «حق برخورداری بشر از صلح» می‌باشد.^۱ در همین راستا در ادامه این مقاله کوشش می‌نماید که ابتدا ویژگی‌ها و انواع حقوق بشر را به طور مختصر تعریف و تبیین نموده و آنگاه با بررسی اسناد بین‌المللی نشان دهد که، الف- چگونه جامعه بین‌المللی رعایت حقوق بشر را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری دانسته است؛ و ب- چگونه جامعه بین‌المللی وجود صلح را نیز برای تحقق کامل حقوق بشر ضروری در نظر گرفته است و بر همین اساس با پذیرش حق جدیدی به نام «حق برخورداری بشر از صلح» زمینه را برای تحقق دیگر حقوق بشر فراهم نموده است. همچنین در این مقاله تأکید می‌گردد که بدون رعایت حقوق بشر و به ویژه «حق برخورداری بشر از صلح» جامعه بین‌المللی نمی‌تواند به صلحی پایدار دست یابد.

۱- تعریف حقوق بشر و انواع آن

در این قسمت از مقاله لازم است که توضیحاتی به صورت خلاصه در خصوص مفهوم حقوق بشر و ویژگی‌های این حقوق و انواع آن‌ها ارائه شوند. حقوق بشر حقوق و آزادی‌های اساسی و متنوعی هستند که همه نوع بشر از آن‌ها برخوردار می‌باشند، این حقوق، حقوق

۱. همچنین یکی از دیدگاه‌های جدید برای حفظ صلح و تضمین رعایت حقوق بشر (به ویژه در زمان جنگ) گسترش دیدگاه کیفری نسبت به نقض صلح و نقض حقوق بشر می‌باشد. بر اساس اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جرائم جنگی و جرائم علیه صلح و جرائم علیه بشریت در چهارچوب صلاحیت این دیوان قرار می‌گیرند. این دیدگاه نیز سابقه دارد و پیشینه آن به اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری نورنبرگ و توکیو و اصول حاکم بر آن‌ها باز می‌گردد. بر اساس بند ۱ ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، این دیوان صلاحیت دارد که به جرائم ذیل به عنوان «جدی‌ترین جرائم از نظر جامعه بین‌المللی the most serious crimes of concern to international community» رسیدگی نماید: (الف) جرائم کشتار دسته جمعی (The crime of genocide)؛ (ب) جرائم علیه بشریت (Crimes against humanity)، (ج) جرائم جنگی (War crimes)؛ و (د) جرم تجاوز سرزمینی (The crime of aggression).

Rome Statute of the International Criminal Court, Adopted by the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court on 17 July 1998, Entry into force: 1 July 2002, in accordance with article 126.

طبیعی و ذاتی هر فردی بوده و هر انسانی به تبع انسان بودنش از آن برخوردار می‌باشد و بر این اساس این حقوق نمی‌توانند بر پایه عواملی همچون نژاد، جنس، زبان و یا مذهب مورد انکار واقع شوند.^۱ در همین راستا مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ و نیز مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۳، مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر، به طور مشترک تصریح می‌نمایند که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از کرامت و شرافت ذاتی نوع بشر سرچشمه می‌گیرند. همچنین در مقدمه اعلامیه ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی راجع به حقوق بشر^۴ (اعلامیه وین) این نکته که، «تمامی حقوق بشر از کرامت و شرافت و ارزش ذاتی در وجود بشر سرچشمه می‌گیرند» به رسمیت شناخته شده و مورد تأیید قرار گرفته است.

حقوق بشر انواع گوناگونی از حقوق را در بر می‌گیرند، از حقوق مدنی و سیاسی گرفته تا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. اگر چه اعلامیه جهانی حقوق بشر تمامی حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در قالب یک سند واحد و در چهارچوب استانداردهای مشترک جهانی در برمی‌گیرد، در چهارچوب تدوین میثاق‌های سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر تصمیم گرفته شد که این حقوق در قالب دو سند بین‌المللی ارائه گردیده و مورد حمایت واقع شوند. بدین ترتیب بود که میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورد پذیرش قرار گرفتند.^۵ به تدریج در دهه‌های بعد حق‌های بشر جدیدی شکل گرفتند که در هیچ‌یک از این دو میثاق به طور مستقیم بدان‌ها اشاره نشده است، حقوقی همچون «حق برخورداری از صلح»، «حق برخورداری از محیط زیست سالم» و «حق توسعه». در همین راستا بوده است که

۱. نظرات گوناگونی در خصوص مبنای حقوق بشر ارائه گردیده‌اند. برخی اعتقاد دارند که خداوند این حقوق را برای بشر در نظر گرفته است، برخی اعتقاد دارند که حقوق بشر حقوق طبیعی هر انسانی است. برخی نیز اعتقاد دارند که حقوق بشر برگرفته از ضرورت حفظ کرامت و شرافت انسانی است.

2. Preamble, International Covenant on Civil and Political Rights, 16 December 1966.

3. Preamble, International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights, 16 December 1966.

4. Preamble, Vienna Declaration (and Programme of Action), World Conference on Human Rights, Vienna 14-25 June 1993, U. N. Doc. A/CONF. 152/24 (Part I) at 20 (1993).

۵. برای متن این میثاق‌ها به قطعنامه شماره ۲۲۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی) بنگرید.

“International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, International Covenant on Civil And Political Rights and Optional Protocol to The International Covenant on Civil and Political Right”, UN General Assembly Resolution 2200 (XXI), 16 December 1966.

در دهه‌های اخیر یک تقسیم‌بندی جدیدی در خصوص انواع حقوق بشر صورت گرفته و حقوق بشر به سه نسل تقسیم‌بندی شده است: الف- نسل اول حقوق بشر: حقوق مدنی و سیاسی، یعنی حقوقی که ماهیت مدنی و سیاسی دارند؛^۱ ب- نسل دوم حقوق بشر: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یعنی حقوقی که ماهیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند؛^۲ و ج- نسل سوم حقوق بشر: حقوق دسته جمعی بشر، یعنی حقوقی که برای جامعه و یا گروهی از مردمان تعریف می‌شوند.^۳

در خصوص ویژگی‌های حقوق بشر نیز باید تأکید نمود که ویژگی‌های گوناگونی برای حقوق بشر تعریف شده‌اند که با توجه به موضوع این مقاله، ویژگی‌های عمده ذیل مورد تأکید قرار می‌گیرند. یکی از ویژگی‌های اساسی حقوق بشر آن است که این حقوق جهانی می‌باشد.

بر طبق قطعنامه ۳/۲۱۷ مجمع عمومی در چهارچوب پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر (مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی)^۴، این اعلامیه یک استاندارد مشترک برای همه مردمان

۱. نمونه‌هایی از حقوق مدنی و سیاسی عبارتند از: حق حیات (right to life)، حق آزادی اندیشه (right to freedom of thought)، حق آزادی نظر و بیان (right to freedom of opinion and expression)، حق آزادی تشکیل انجمنها به صورت صلح‌آمیز (right to freedom of peaceful assembly)، حق تابعیت (right to a nationality)، و حق شرکت در دولت کشور متبوع خود (right to take part in the government of his/her country)، برای نمونه‌های بیشتری از حقوق مدنی و سیاسی به مواد ۳ تا ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بنگرید. از

۲. نمونه‌هایی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عبارتند از: حق تأمین اجتماعی (right to social security)، حق کار (right to work)، حق برخورداری از استاندارد زندگی کافی برای سلامت و رفاه خود و خانواده (right to a standard of living adequate for the health and well-being of himself/herself and his/her family)، حق آموزش (right to education)، و حق مشارکت آزادانه در حیات فرهنگی جامعه. (right to freely to participate in the cultural life of the community) برای نمونه‌های بیشتری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر بنگرید.

۳. نسل سوم حقوق بشر حقوقی هستند که در دهه‌های اخیر شکل گرفته و همچنان در حال توسعه می‌باشند. این حقوق به طور مستقل شکل گرفته و برخلاف دو نسل دیگر حقوق بشر که به طور مستقیم به حقوق افراد مربوط می‌شوند، نسل سوم حقوق بشر حقوق دسته جمعی را در بر می‌گیرند، حقوقی مانند حق برخورداری از صلح (right to peace)، حق برخورداری از محیط زیست سالم (right to a healthy environment)، و حق توسعه (right to development).

4. Universal Declaration of Human Rights, UN General Assembly Resolution A/RES/3/217 A, U. N. Doc. A/811, 10 December 1948.

و ملت‌ها در نظر گرفته می‌شود. بنابراین همه ملت‌ها بایستی این حقوق را در سطح جهانی رعایت نمایند.^۱

از دیگر ویژگی‌های اساسی حقوق بشر آن است که این حقوق از یکدیگر جدایی‌ناپذیر بوده و تحقق کامل آن‌ها به یکدیگر وابسته می‌باشد. به عبارت دیگر نمی‌توان حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از یکدیگر جدا نمود. در واقع حقوق مدنی و سیاسی بدون تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معنایی ندارد، همان‌گونه که حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی بدون تحقق حقوق مدنی و سیاسی مفهومی نخواهد داشت. در همین راستا می‌باشد که نلسون ماندلا رهبر آزادی‌بخش آفریقای جنوبی تأکید می‌نماید: «ما آزادی را بدون نان نمی‌خواهیم، همان‌گونه که نان را بدون آزادی نمی‌خواهیم»^۲. همچنین این نکته قابل ذکر است که گونه‌های حقوق بشر یکدیگر را کامل می‌نمایند.

اولین انعکاس از چنین ویژگی حقوق بشر در اسناد بین‌المللی را می‌توان در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر^۳ مشاهده نمود، در جایی که برخورداری افراد بشر از آزادی بیان و عقیده و نیز برخورداری آن‌ها از آزادی از ترس و فقر به عنوان بالاترین آرمان مشترک مردم جهان اعلام گردیده است. در همین راستا در مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مطابق با

۱. پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر با چهل و هشت رأی موافق و هشت رأی ممتنع و بدون رأی مخالف و همچنین پذیرش گسترده میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از سوی دولت‌ها نشان‌دهنده توافقی مشترک آن‌ها در پذیرش این حقوق به عنوان استاندارد مشترک جهانی می‌باشد.

See Maiese, Mishelle, "Human Rights Protection, http://www.beyondintractability.org/essay/human_rights_protect, pp. 1-6, at 1 & 2.

در خصوص دیدگاه‌های جهانی و نسبی راجع به حقوق بشر (Universalist Approach and Relativist Approach) و مفهوم نسبی فرهنگی (Cultural Relativism) در چهارچوب حقوق بشر برای نمونه به منابع ذیل بنگرید:

Rebtehn, Dundes, *International Human Rights: Universalism Versus Relativism*, 1st ed., Sage, Newbury Park, 1990, and Tesson, Fernando R., *International Human Rights and Cultural Relativism*, *Virginia Journal of International Law* 25, 1985, pp. 870 et seq.

2. "We do not want freedom without bread, nor do we want bread without freedom." Human Rights vs. Exploitation, <http://sfr-21.org/humanrights.html>, pp. 1-3, at 2.

همچنین بیان گردیده است که، «حق مشارکت عمومی در فرآیند توسعه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور زمانی به طور کامل تحقق پیدا می‌نماید که حق آموزش و حق دسترسی آزاد به اطلاعات و حق بحث آزادانه راجع به سیستم‌های رسمی حکومت آن کشور تحقق یابد».

Soysal, Mumtaz, Nobel Lecture, 11 December 1977, Nobel Lectures, Peace 1971-1980, Tore Frangsmyr and Irwin Abrams, Scientific Publishing Co., Singapore, 1997. Available at: http://nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureats/1977/amnest-lecture.html, pp. 1-8, at 4.

3. Preamble, Universal Declaration of Human Rights, 10 December 1948.

اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته می‌شود که، «آرمان رسیدن به جایی که افراد بشر آزاد بوده و از آزادی‌های مدنی و سیاسی و از آزادی در مقابل ترس و فقر برخوردار گردند، فقط زمانی می‌تواند تحقق یابد که شرایطی ایجاد شود که در آن شرایط هر کسی بتواند از حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌اش بهره‌مند گردد». مقدمه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مضمون مشابهی را به صورت ذیل در بردارد: «آرمان رسیدن به جایی که افراد بشر آزاد بوده و از آزادی در مقابل ترس و فقر برخوردار گردند، فقط زمانی می‌تواند تحقق یابد که شرایطی ایجاد شوند که در آن شرایط هر کسی بتواند از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین حقوق مدنی و سیاسی‌اش بهره‌مند گردد»^۱.

همچنین باید توجه داشت که رعایت حقوق بشر و احترام به این حقوق تابع زمان، مکان و یا شرایط خاصی نمی‌باشند. در واقع به عنوان یک اصل کلی حقوق بشر بایستی در هر زمان و

۱. جدایی‌ناپذیر بودن و یا وابسته بودن حقوق بشر به یکدیگر در تعداد قابل توجهی از قطعنامه‌های مجمع عمومی رسمیت شناخته شده است. برای نمونه قطعنامه A/RES/44/130 مجمع عمومی مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۹ میلادی با عنوان "جدایی‌ناپذیری و وابستگی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی" تصریح می‌نماید که همه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین جدایی‌ناپذیر و وابسته به یکدیگر می‌باشند و اینکه حمایت از یک گونه از حقوق بشر دولت‌ها را از ترویج و حمایت از حقوق دیگر معاف یا معذور نمی‌دارد.

"Indivisiibility and interdependence of economic, social, cultural, civil and political rights", UN General Assembly Resolution A/RES/44/130, 15 December 1989.

در این زمینه همچنین به دیگر قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که در ذیل ذکر شده‌اند، بنگرید. "Alternative approaches and ways and means within the United Nations system for improving the effective enjoyment of human rights and fundamental freedoms", UN General Assembly Resolution 32/130, 16 December 1977; "Indivisiibility and interdependence of economic, social, cultural, civil and political rights", UN General Assembly Resolution A/RES/42/102, 7 December 1987; "Indivisiibility and interdependence of economic, social, cultural, civil and political rights", and UN General Assembly Resolution 43/113, 8 December 1988.

در ضمن در بند ۱۳ اعلامیه کنفرانس بین‌المللی تهران در ۱۳ مه ۱۹۶۸ میلادی بیان شده است: "از آنجایی که حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین غیرقابل تفکیک و جدایی‌ناپذیر هستند، تحقق کامل حقوق مدنی و سیاسی بدون برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غیرممکن می‌باشد." همچنین در بند ۵ اعلامیه ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی راجع به حقوق بشر (اعلامیه وین) تصریح می‌گردد که «تمامی حقوق بشر جهانی، غیرقابل تفکیک (جدایی‌ناپذیر) و وابسته و مربوط به یکدیگر می‌باشند». "All human rights are universal, indivisible and interdependent and interrelated" در بند ۸ این اعلامیه نیز بیان می‌گردد: که «دموکراسی، توسعه حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و احترام به این حقوق و آزادی‌ها وابسته به یکدیگر بوده و به طور متقابل موجب تقویت یکدیگر می‌شوند».

Democracy. "development and respect for human rights and fundamental freedoms are interdependent and mutually reinforcing".

مکان و در همه شرایط رعایت شوند. تنها استثناء وارد شده به این اصل کلی وقوع وضعیت اضطراری می‌باشد که شرایط خاصی برای تحقق آن وجود دارد. در همین رابطه بند ۱ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مقرر می‌دارد که، «در زمان وضعیت اضطراری عمومی که حیات یک ملت به خطر می‌افتد، وضعیتی که وجود آن به طور رسمی اعلام شده است، دولت‌های عضو این میثاق ممکن است اقداماتی را اتخاذ نمایند که از انجام تعهداتشان به موجب این میثاق خودداری نمایند تا حدی که به موجب شرایط اضطراری این وضعیت لازم باشد، مشروط بر آنکه چنین اقداماتی با تعهدات دیگر آن‌ها به موجب حقوق بین‌الملل در تعارض نمی‌باشند و منجر به تبعیض صرفاً بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و یا ریشه اجتماعی نمی‌گردند»^۱. با این وجود بر طبق بند ۲ این ماده، حتی در وضعیت اضطراری عمومی مزبور نیز هیچ دولتی نمی‌تواند از تعهداتش در خصوص حقوقی که در مواد ۶ (در خصوص حق حیات)، ۷ (در خصوص منع شکنجه و منع رفتار یا مجازات بیرحمانه، غیرانسانی و یا تحقیرکننده و آزمایشات پزشکی برخلاف خواست آزمایش شونده)، ۸ (بندهای ۱ و ۲ در خصوص منع برده‌داری)، ۱۱ (در خصوص منع حبس نمودن در مقابل ناتوانی در اجرای یک تعهد قراردادی)، ۱۵ (در خصوص منع مجازات برای جرم تعریف شده موجب قانون لاحق)^۲، ۱۶ (در خصوص حق شناسایی هر فرد به موجب قانون) و ۱۸ (در خصوص آزادی اندیشه، وجدان و مذهب) این میثاق درج شده‌اند، خودداری نماید.^۳

بنابراین در چهارچوب حق بشر نسبت به صلح نیز می‌توان تمامی ویژگی‌های فوق را نظر گرفت. بدین ترتیب حق بشر نسبت به صلح یک حق جهانی بوده و از حقوق دیگر جدایی‌ناپذیر می‌باشد. بنابراین حق بشر نسبت به صلح زمانی تحقق پیدا می‌نماید که دیگر حقوق بشر نیز تحقق یابند و همچنین تحقق دیگر حقوق بشر وابسته به تحقق حق بشر نسبت به صلح می‌باشد. در ضمن می‌توان چنین استدلال نمود که حق بشر نسبت به صلح همچنین نمی‌تواند در هیچ زمان، مکان و یا شرایط خاصی نقض شود.

۱. این در حالی است که هیچ اشاره‌ای به تعلیق حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشده است.

2. Nulla poena sine lege

۳. همچنین مقررات مشابهی در ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین وجود دارد.

See Article 15, The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Rome, 4 November 1950.

۲- تأثیر حقوق بشر بر حفظ صلح

همان‌گونه که در مقدمه این مقاله تأکید شد، «حقوق بشر» و صلح «ارزش‌های مهمی هستند که به طور مستقل قابل بررسی و تجزیه و تحلیل می‌باشند. بدون حقوق بشر و صلح جهان امروز نمی‌تواند به صورت پایدار به حیات خود ادامه دهد. به هر حال آنچه که از دیدگاه این مقاله بدان پرداخته می‌شود، بررسی رابطه متقابل حقوق بشر و صلح و تأثیر مثبت آن‌ها بر یکدیگر می‌باشد. بدون تردید رعایت حقوق بشر در جهان می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را تقویت نماید، همان‌گونه که صلح می‌تواند موجب تقویت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و احترام به این حقوق و آزادی‌ها در سطح جهان گردد. از سوی دیگر نقض حقوق بشر نیز به نوبه خود می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، همان‌گونه که وجود تعارضات و جنگ‌ها (چه داخلی و چه بین‌المللی) می‌تواند موجب نقض جدی و شدید حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین گردد. هر چند در رویه‌ها و اسناد بین‌المللی بیشتر به تأثیر صلح بر حقوق بشر پرداخته شده است، با این وجود نمی‌توان تأثیر حقوق بشر بر صلح را نادیده گرفت، همان‌گونه که برخی از اسناد بین‌المللی به درستی به چنین تأثیری اشاره داشته‌اند. بدین ترتیب در این قسمت از مقاله کوشش می‌گردد تا با بررسی اسناد بین‌المللی پذیرفته شده از سوی نهادهای گوناگون (به ویژه در چهارچوب سازمان ملل متحد)، نشان داده شود که، (الف) چگونه تأثیر مثبت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در سطح جهان در گسترش و تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی؛ و (ب) چگونه تأثیر منفی نقض این حقوق و آزادی‌ها در برهم خوردن نظم بین‌المللی و بروز تعارضات (ملی و بین‌المللی) و در نتیجه به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند.

هدف از این بررسی نیز آن است که نشان داده شود که مسئولیت دولت‌ها در رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و احترام به این حقوق و آزادی‌ها سنگین‌تر می‌شود، زمانی که این واقعیت درک گردد که نقض گسترده این حقوق و آزادی‌ها می‌تواند صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد. بدین ترتیب دولت‌های متخلف هم به واسطه نقض گسترده حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین دارای مسئولیت خواهند بود و هم به واسطه به خطر انداختن صلح و امنیت بین‌المللی از مسئولیت برخوردار خواهند گشت. به هر حال آنچه که بیشتر از همه اهمیت دارد، صلح و آرامشی است که در نتیجه رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و احترام به این حقوق و آزادی‌ها به دست می‌آیند.

با پذیرش منشور سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ میلادی تحول قابل توجهی در زمینه توجه به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین صورت گرفته است. بر اساس این منشور دو هدف عمده سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و احترام به این حقوق و آزادی‌ها اعلام شده است. در واقع از همان ابتدای پذیرش این منشور و شکل‌گیری سازمان ملل متحد در جای خود این نکته مورد شناسایی قرار گرفته است که حقوق بشر و صلح ارزش‌های وابسته به یکدیگر هستند که تأثیر آن‌ها را بر یکدیگر نمی‌توان انکار نمود. به هر حال پیش از تدین منشور سازمان ملل متحد و شکل‌گیری این سازمان نیز آثاری را از چنین درکی می‌توان در برخی از اسناد قدیمی‌تر مانند اساسنامه سازمان بین‌المللی کار (۱۹۱۹ میلادی) مشاهده نمود.

مقدمه اساسنامه سازمان بین‌المللی کار^۱ نکات قابل توجهی را در ارتباط با حقوق بشر (به ویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی و به طور خاص حق کار) و صلح در بردارد. این مقدمه از جمله بیان می‌نماید که، «... صلح جهانی و پایدار فقط در صورتی برقرار خواهد شد که بر پایه عدالت اجتماعی استوار باشد». همچنین این مقدمه بیان می‌دارد که «شرایط کار موجود در برگیرنده آن چنان بی‌عدالتی، سختی و محرومیت برای تعداد قابل توجهی از مردم جهان است به گونه‌ای که می‌تواند منجر به ناآرامی‌های گسترده‌ای گردد که صلح و هماهنگی را در جهان به خطر بیندازد. بر این اساس بهبود این شرایط به صورت فوری ضرورت دارد». بدین ترتیب روشن است که از دیدگاه این اساسنامه، برقراری عدالت اجتماعی، که نمودی از احترام به حقوق بشر و تحقق این حقوق می‌باشد، زمینه را برای صلح و امنیت فراهم می‌سازد و عدم وجود آن منجر به تعارض‌ها در سطح جهان می‌گردد.^۲

در منشور سازمان ملل متحد می‌توان به خوبی نمونه‌هایی را از ارتباط حقوق بشر و صلح و ضرورت رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مشاهده

1. Preamble, The Constitution of the International Labour Organization (1919).

۲. در همین ارتباط نیز Mumtaz Soysal در سخنرانی خود در مراسم جایزه صلح نوبل این گونه بیان می‌نماید: «صلح نیابستی بر اساس نبود یک تعارض مسلحانه یا جنگ ارزیابی شود، بلکه بایستی بر اساس عدالت و حقوق بشر ارزیابی گردد. در جایی که بی‌عدالتی وجود دارد، زمینه برای تعارض نیز وجود دارد. در جایی هم که حقوق بشر نقض شوند، تهدیدهایی نسبت به صلح وجود خواهند داشت...».

Soysal, Mumtaz, Nobel Lecture, 11 December 1977, Nobel Lectures, Peaxe 1971-1980, Tore Frangsmyr and Irwin Abrams, Scientific Publishing Co. , Singapore, 1997. Available at: http://nobelprize.org/nobel_prizes/peace/laureats/1977/amnest-lecture.html, pp. 1-8, at 1.

نمود. در واقع این ارتباط تنگاتنگ و مستقیم در ماده ۱ این منشور در قالب اهداف این سازمان قابل مشاهده است. ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد در بندهای ۱ و ۳ مقرر می‌دارد که از جمله اهداف سازمان ملل متحد عبارتند از: «(۱) حفظ صلح و امنیت بین‌المللی...؛ و (۳)... دستیابی به همکاری بین‌المللی در خصوص ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همگان بدون تبعیض بر اساس نژاد، زبان، جنس و مذهب. همچنین با دقت به مضمون ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد (به ویژه بند ج آن) و نوع بیانی که در آن به کار رفته است، به خوبی می‌توان ضرورت احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و رعایت آن‌ها را برای حفظ ثبات و امنیت جهانی درک نمود. ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد (با تأکید بر بند ج) مقرر می‌دارد: «با نظر به ایجاد شرایط برای ثبات و رفاه که لازمه روابط صلح‌آمیز و دوستانه میان ملت‌ها بر اساس احترام به اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت مردمان می‌باشد، سازمان ملل متحد... (ج) احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و رعایت آن‌ها را برای همگان بدون تبعیض بر اساس نژاد، جنس، زبان، و یا مذهب ترویج خواهد نمود». این اشاره به حقوق بشر از آن جهت صورت می‌گیرد که رعایت حقوق بشر در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی نقش دارد. چنین نگرش در راستای همان نظر می‌باشد که در مقدمه منشور درج گردیده است که، «ما مردم ملت‌های متحد مصمم هستیم... تا اعتقاد راسخ خود را به حقوق بشر بنیادین، کرامت و ارزش وجود و شخص بشر، حقوق برابر مردان و زنان و حقوق برابر ملت‌های بزرگ و کوچک دوباره مورد تأیید قرار دهیم». بدین ترتیب منشور سازمان ملل متحد اهمیت قابل توجهی را برای رعایت حقوق بشر در جهت حفظ صلح میان دولت‌ها در نظر گرفته است.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) نیز همچون منشور سازمان ملل متحد، حقوق بشر به صلح جهانی ارتباط داده شده و در واقع حقوق بشر به عنوان بنیانی برای صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته شده است. این مقدمه از جمله بیان می‌نماید که، «... شناسایی کرامت ذاتی و حقوق برابر و غیرقابل انکار همه اعضای خانواده بشری بنیان آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌باشد». همچنین در مقدمه «اعلامیه راجع به اصول حقوق بین‌الملل مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان دولت‌ها مطابق با منشور سازمان ملل متحد»^۱ (۱۹۷۰ میلادی)

1. "Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations", UN General Assembly Resolution 2625 (XXV), Annex, 24 October 1970. 25 UN GAOR, Supp. (no. 28), U. N. Doc A/5217 at 121 (1970).

تصریح می‌گردد که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر پایه آزادی، برابری، عدالت و احترام به حقوق بشر استوار می‌باشد.^۱

اگر چه در چهارچوب سازمان ملل متحد رابطه میان نقض‌های شدید حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی قبلاً در اسنادی همچون مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز در اعلامیه روابط دوستانه به رسمیت شناخته شده است؛ در دو سه دهه اخیر این موضوع از سوی سازمان ملل متحد مورد توجه بیشتری واقع شده و ضمن آنکه در مواضع این سازمان انعکاس یافته، کوشش‌هایی در جهت پذیرش اسناد جدید در این راستا نیز صورت گرفته‌اند. برای نمونه در سال ۱۹۸۱ میلادی کمیسیون فرعی راجع به ترویج و حمایت از حقوق بشر^۲ (به عنوان کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد) تصمیم گرفت که موضوع «آثار نقض‌های شدید حقوق بشر بر صلح و امنیت بین‌المللی»^۳ را در دستور موقتی اجلاس سی و پنجم مجمع عمومی قرار دهد.

همچنین دبیر کل وقت سازمان ملل متحد، کورت والدهایم^۴، در گزارش سالیانه خود در خصوص کار سازمان ملل متحد به اجلاس سی و ششم مجمع عمومی این ارتباط را مورد تأیید قرار داد زمانی که وی بیان نمود: «در نبود احترام به حقوق بشر، صلح و توسعه معنای خود را از دست می‌دهد»^۵؛ و اینکه «وابستگی متقابل حقوق بشر، صلح و توسعه به معنای آن است که آزادی در مقابل بیم و فقر به همان میزان به اساس حقوق بشر ارتباط دارد که به آزادی‌های سیاسی ارتباط دارد...»^۶. نکته مهم دیگری که در چهارچوب شورای امنیت سازمان ملل متحد قابل ذکر

۱. لازم به ذکر است که رابطه میان حقوق بشر و صلح و تأثیر حقوق بشر بر صلح در اعلامیه‌های تهران (۱۹۶۸) و وین (۱۹۹۳) نیز تصریح شده است. بند ۱۰ اعلامیه تهران (۱۳ مه ۱۹۶۸ میلادی) تأکید می‌نماید که «انکار جدی حقوق بشر ناشی از تبعیض بر اساس نژاد، اعتقاد، و یا ابراز عقیده وجدان بشریت را عصبانی نموده و بنیان‌های آزادی، عدالت و صلح در جهان را به خطر می‌اندازد».

Para. 10, Proclamation Tehran, Proclaimed by the International Conference on Human Rights at Tehran on 13 May 1968.

همچنین در بند ۶ اعلامیه ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی راجع به حقوق بشر (اعلامیه وین) تأکید می‌گردد که «کوشش‌های نظام ملل متحد در جهت احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همگان و رعایت این حقوق و آزادی‌ها، برای ثبات و رفاه که برای روابط صلح‌آمیز میان ملت‌ها ضروری می‌باشند، مؤثر بوده و همچنین برای بهبود شرایط صلح و امنیت و نیز برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، مطابق با منشور سازمان ملل متحد، مؤثر می‌باشد».

2. Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights

3. The effects of gross violations of human rights on international peace and security

4. Kurt Waldheim

5. See Official Records of the UN General Assembly, 36th Session, Supplement No. 1 (A/36/1), Section VIII.

6. See Official Records of the UN General Assembly, 36th Session, Supplement No. 6 (A/33/6/Rev. 1), Vol. I, Ch. 9.

است، توجه بیشتر به ارتباط میان حقوق بشر و صلح می‌باشد. این شورا در تعدادی از قضایای اخیر مانند قضیه کوزوو، به این نتیجه رسید که، «نقض‌های گسترده و جدی حقوق بشر»^۱ تهدیدی را نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی تشکیل داده‌اند. در نهایت در چهارچوب سازمان ملل متحد این اعتقاد وجود دارد که، «در حال حاضر همه کشورهای جهان به رسمیت شناخته‌اند که احترام به حقوق بشر برای دستیابی پایدار به صلح، توسعه و دموکراسی ضرورت دارد»^۲.

باید توجه داشت که توجه به ارتباط میان حقوق بشر و صلح فقط محدود به اسناد سازمان ملل متحد نمی‌باشد، بلکه رابطه و تأثیر بنیادین حقوق بشر بر صلح را می‌توان در برخی اسناد پذیرفته شده در کنفرانس‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و صلح یافت نمود. یک نمونه بارز از این اسناد اعلامیه پذیرفته شده در «کنفرانس بین‌المللی راجع به فرهنگ صلح و گفتگو میان تمدن‌ها» (۱۹۹۸ میلادی) می‌باشد. در این ارتباط این اعلامیه از جمله به طور صریح بیان می‌دارد که، «الف) صلح پایدار بدون احترام به کرامت و

1. Gross Violations of Human Rights

2. See UN Security Council Resolution 1244, 10 June 1999. Also See UN Security Council Resolutions 1199 (23 September 1998), and 1203 (24 October 1998).

در برخی از قضایا مانند قضیه سیرالئون و ژنر (کنگوی شرقی) وقوع تعارضات مسلحانه (داخلی) اغلب منجر به نقض‌های گسترده حقوق بشر در کنار نقض‌های گسترده حقوق بشردوستانه شده‌اند که با یکدیگر وضعیتی را به وجود آورده‌اند که می‌تواند تهدید جدی را برای صلح و امنیت بین‌المللی در نظر گرفته شود. در این رابطه برای نمونه به قطعنامه‌های شورای امنیت، ذکر شده در ذیل بنگرید:

UN Security Council Resolution 1315 (2000), and UN Security Council Resolution 1078 (1996).

3. "There is now near-universal recognition that respect for human rights ...is essential to the sustainable achievement of the three agreed global priorities of peace, development and democracy. " Human Rights Today: A United Nations Priority, <http://www.un.org/rights/HRToday/>, p. 1.

در همین راستا بند ۸ اعلامیه ۱۹۹۳ کنفرانس جهانی راجع به حقوق بشر (اعلامیه وین) نیز بیان می‌دارد که، «دموکراسی، توسعه، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و احترام به این حقوق و آزادی‌ها وابسته به یکدیگر بوده و به طور متقابل موجب تقویت یکدیگر می‌شوند...».

در چهارچوب ارتباط میان دموکراسی و صلح و تأثیر دموکراسی بر حفظ صلح داخلی این اعتقاد وجود دارد که حقوق بشر، به ویژه حقوق مدنی و سیاسی، به طور معمول در کشورهای دارای نظام‌های حکومتی دموکراتیک رعایت می‌شوند و رعایت این حقوق می‌تواند منجر به برقراری صلح و آرامش در داخل این کشورها گردد. از سوی دیگر عدم وجود دموکراسی در یک کشور می‌تواند زمینه را برای شورش و جنگ داخلی فراهم نماید و بدین ترتیب صلح و آرامش دچار اختلال گردد. همچنین این اعتقاد وجود دارد که یک نظام حکومتی دموکراتیک راه‌های صلح‌آمیزی را برای حل و فصل تعارض‌ها به شهروندان ارائه می‌نماید. بنابراین در صورتی که شهروندان احساس نمایند که حقوق اساسی ایشان نقض گردیده است می‌توانند از این راه ا برای احقاق حقوق خود استفاده نمایند.

Source: Forsythe, David P. , "Peace and Human Rights", Encyclopedia of Human Rights, Available at: <http://www.routledge-ny.com/enc/human rights/peace.html>, pp. 1-13, at 9.

شرافت انسانی افراد و مردمان تحقق نخواهد یافت؛ (ب) صلح پایدار بدون آزادی و دموکراسی تحقق نخواهد یافت؛ و (ج) صلح پایدار بدون عدالت و توسعه پایدار تحقق نخواهد یافت^۱. بنابراین رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین می‌تواند یک یک پیش‌شرط لازم برای برخورداری از صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

۳- تأثیر صلح بر حقوق بشر

در این قسمت از مقاله به یک نکته مهم دیگر در راستای موضوع این مقاله پرداخته می‌شود؛ و آن هم این نکته مهم می‌باشد که صلح و امنیت بین‌المللی یک شرط اساسی (پیش‌شرط) برای برخورداری از حقوق بشر، و از همه مهم‌تر حق حیات، می‌باشد^۲. در واقع حق بشر در برخورداری از صلح، امنیت و عدم تعارض یک حق بنیادین در چهارچوب تحقق تمامی حقوق بشر قرار می‌گیرد^۳. جنگ و خشونت منجر به انکار سیستماتیک حقوق مدنی و سیاسی، و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌گردد، از آنجایی که در صورت وقوع جنگ و تعرض مسلحانه، درصد قابل توجهی از منابع مالی موجود برای تهیه تسلیحات و تدارک برای جنگ صرف می‌شوند. در ضمن همان‌گونه که در قسمت قبلی این مقاله تأکید شد، به نوبه خود صلح پایدار زمانی حاصل خواهد شد که حقوق بنیادین بشر تحقق یابند.

باید توجه داشت که حق بشر در برخورداری از صلح به طور تنگاتنگی به تمام دیگر حقوق بشر ارتباط دارد، حقوقی که جهانی، غیرقابل تفکیک (جدایی‌ناپذیر)، مرتبط با یکدیگر و وابسته به یکدیگر می‌باشند. در همین رابطه این پرسش مطرح می‌گردد که به طور عمده چه حقوق بشری می‌باشند که در صورت وقوع تعارضات (ملی و بین‌المللی) و یا به عبارت دیگر در نبود صلح و امنیت ملی و بین‌المللی نقض شده و یا به آن‌ها آسیب وارد می‌گردد. با بررسی معاهدات بین‌المللی

1. See The Kishinev Declaration for the Culture of Peace and Dialogue of Civilizations, International forum for a Culture of Peace and Dialogue of Civilizations, 16-18 May 1998, Kishinev, Republic of Moldova.

۲. این حقیقت که صلح همواره یک پیش‌شرط لازم برای برخورداری کامل از تمامی حقوق بشر می‌باشد، در بسیاری از اسناد حقوق بشر، از جمله کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی (۲۱ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی)، منعکس شده است.

Kirchner, Stefan, "The Human Rights Dimensions of International Peace and Security: Humanitarian Intervention after 9/11", Journal of Humanitarian Assistance, 25 October 2004, Available at: <http://www.jha.ac/articles/a143.pdf>, pp. 1-3, at p. 6.

۳. در خصوص ارتباط میان حقوق بشر و صلح و حق بشر برای برخورداری از صلح، برای نمونه به منابع ذیل بنگرید.

Forsythe, David P., Human Rights and Peace: International and National dimensions, University of Nebraska Press, Lincoln, 1993, and Roche, Douglas, The Human Right to Peace, Novalis, Toronto, 2003.

اساسی حقوق بشر می‌توان حقوقی را مشاهده نمود که می‌توانند در صورت بروز این تعارضات نقض گردند. از مهم‌ترین حقوق بشر مربوط به صلح که در این معاهدات درج شده‌اند، عبارتند از:

(۱) حق حیات و زندگانی بشر^۱؛ (۲) حق بشر برای رهایی از خشونت، شکنجه و رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی^۲؛ (۳) حق بشر برای رهایی از اعدام‌های خودسرانه، توقیف‌ها و ناپدید گردیدن^۳؛ (۴) حق بشر برای رهایی از کشتار دسته جمعی، پاک‌سازی قومی، و تجاوز (به عنوان یک استراتژی جنگی)^۴؛ (۵) حق بشر برای رهایی از عدم تحمل مذهبی^۵؛ (۶) حق بشر برای رهایی از اشغال یا تسلط خارجی^۶؛ (۷) حق بشر برای تعیین سرنوشت خود^۷؛ (۸) حق بشر برای دستیابی به بالاترین استاندارد ممکن برای سلامتی جسمی و فکری^۸؛ (۹) حق بشر در راستای حمایت و کمک به اشخاص بی‌سرنپناه و پناهندگان^۹؛ (۱۰) حق بشر برای زندگی در چهارچوب حکومت قانون^{۱۰}؛ (۱۱) حق بشر برای برخورداری از استاندارد کافی برای زندگی، از جمله دسترسی به غذای کافی، مراقبت‌های پزشکی کافی، و خدمات اجتماعی ضروری^{۱۱}؛ (۱۲) حق بشر برای توسعه پایدار^{۱۲}؛ (۱۳) حق بشر برای برخورداری از محیط زیستی که برای رفاه و توسعه جسمانی، فکری، معنوی و اخلاقی وی مناسب باشد^{۱۳}؛ و (۱۴) حق بشر در چهارچوب

1. The human right to life

برای نمونه به مواد ۳، ۴، ۵ و ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بنگرید.

2. The human right to freedom from violence, torture and cruel, inhuman treatment or punishment.

برای نمونه به مواد ۶، ۷، ۹، ۱۰ و ۲۰ میثاق بین‌المللی راجع به حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ میلادی)، و مواد ۱، ۲، ۱۶ کنوانسیون بر ضد شکنجه و دیگر رفتارها و یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی و یا تحقیرکننده (۱۹۸۴ میلادی) بنگرید.

3. The human right to freedom from arbitrary executions, detention, and disappearance.

4. The human right to freedom from genocide, ethnic cleansing and rape as a strategy of war.

برای نمونه به مواد ۱ و ۲ کنوانسیون راجع به پیشگیری و مجازات جرم کشتار دسته جمعی (۱۹۴۸ میلادی) بنگرید.

5. The human right to freedom from religious intolerance

6. The human right to freedom from foreign occupation or domination

7. The human right to self-determination of peoples

8. The human right to the highest attainable standard of physical and mental health

9. The human right to protection and assistance to displaced persons and refugees

10. The human right to live by the rule of law

11. The human right to an adequate standard of living, including adequate food, medical care and necessary social services

برای نمونه به مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ میثاق بین‌المللی راجع به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بنگرید.

12. The human right to sustainable development

برای نمونه به اصل ۳ اعلامیه ریو دو ژانیرو (۱۹۹۲ میلادی) راجع به محیط زیست و توسعه بنگرید.

13. The human right of a person to an environment appropriate for his or her physical, mental, spiritual and moral well-being and development

برای نمونه به بندهای ۱ و ۲ پیش‌نویس اعلامیه راجع به حقوق بشر و محیط زیست (۱۹۹۴ میلادی) بنگرید.

مردم برای مشارکت کامل و برابر در تصمیم‌گیری و کوشش برای پیشگیری از تعارضات و حل و فصل آن‌ها.^{۲۱}

اکنون لازم است به بررسی اسناد بین‌المللی موجود در زمینه رابطه میان صلح و حقوق بشر پرداخت. در ابتدا به اسناد کلاسیک و پایه‌ای همچون منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه تهران پرداخته خواهد شد؛ و آنگاه در ادامه به اسناد پذیرفته شده مربوطه در دهه‌های اخیر توجه خواهد شد.

هر چند می‌توان نشانه‌هایی از ارتباط میان صلح و حقوق بشر را در اسناد قدیمی‌تری همچون میثاق جامعه ملل پیدا نمود، با پذیرش منشور سازمان ملل متحد (۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ میلادی) این ارتباط را می‌توان به روشنی بیشتر و گسترده‌تر مشاهده نمود. در واقع اصول «حل و فصل اختلافات بین‌المللی میان دولت‌ها از طریق شیوه‌های مسالمت‌آمیز»، «منع استفاده از تهدید و یا زور بر ضد تمامیت سرزمینی و یا استقلال سیاسی هر دولتی»؛ و «اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها» که در ماده ۲ (بندهای ۳، ۴، و ۷) منشور سازمان ملل متحد درج شده‌اند، می‌توانند در راستای تقویت صلح و تأثیر مثبت آن‌ها بر تحقق حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین در نظر گرفته شوند.^{۲۲}

-
1. The human right of all people to full and equal participation in decision-making and efforts aimed at the prevention and resolution of conflicts
 2. Women, Human rights and Peace, http://www.pdhre.org/rights/women_and_conflict.html, pp. 1-5, at 1 & 2.

بنابراین در جهت پیشگیری از نقض حقوق بشر مرتبط با صلح می‌توان به مقررات مربوطه موجود در اسناد بین‌المللی حقوق بشر استناد نمود تا بدین ترتیب از نقض حقوق مزبور جلوگیری گردیده و حق برخورداری بشر از صلح نیز تضمین گردیده و تحقق پیدا نماید.

۳. یکی از مسائلی که در چهارچوب نقض حقوق بشر در داخل برخی کشورها مطرح می‌گردد، مسئله مداخله بشر دوستانه (Humanitarian Intervention) است. این مداخله به طور معمول در خصوص شدید بشر مانند وقوع کشتار دسته‌جمعی و یا ارتکاب جرائم علیه بشریت رخ می‌دهد. در خصوص مشروعیت و یا عدم مشروعیت این گونه مداخله بحث‌های گوناگونی مطرح شده است. به طور خلاصه دو اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و اصل احترام به حقوق بشر در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند و در موارد نقض شدید حقوق بشر، استدلالی که مطرح می‌شود آن است که این گونه مداخله آسیبی را به حاکمیت دولت وارد نمی‌سازد و هدف آن جلوگیری از نقض شدید حقوق انسانی بشر است تا بدین وسیله ثبات از طریق حکومت قانون و رفتار انسانی با افراد تأمین و تضمین شود. در ضمن در چهارچوب این تفکر که رعایت حقوق بشر موجب کاهش تعارضات در سطح جهان می‌گردد، این نوع مداخله بر پایه آنکه موجب حفظ امنیت و نظم بین‌المللی شده و عدالت را برقرار می‌سازد، توجیه گردیده است.

Maiese, Mishelle, "Human Rights Protection, http://www.beyondintractability.org/essay/human_rights_protect, pp. 1-6, at 2 & 4.

در همین راستا در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ میلادی اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز پذیرفته می‌شود که در ماده ۲۸ این اعلامیه چنین بیان می‌گردد: «هر کس از این حق برخوردار است که از نظم اجتماعی و بین‌المللی برخوردار باشد، به گونه‌ای که حقوق و آزادی‌های درج شده در این اعلامیه به طور کامل می‌توانند تحقق پیدا نمایند». مفهوم این ماده می‌تواند در راستای ضرورت وجود صلح و آرامش برای تحقق کامل حقوق بشر تجزیه و تحلیل شود.

همچنین در مقدمه اعلامیه ۱۳ مه ۱۹۶۸ میلادی کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در تهران (اعلامیه تهران)^۱ آمده است، کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت می‌شناسد که، «صلح یک آرمان جهانی بشر است و اینکه صلح و عدالت برای تحقق کامل حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ضروری و اساسی هستند»^۲. بند ۱۹ اعلامیه تهران نیز در خصوص خلع سلاح و تأثیر آن بر بهبود حقوق بشر بیان می‌نماید که، «خلع سلاح موجب آزدسازی منابع انسانی و مادی گسترده‌ای می‌گردد که در حال حاضر برای اهداف نظامی اختصاص داده شده‌اند. این منابع بایستی برای ترویج حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به کار برده شوند. خلع سلاح کلی و عمومی یکی از آرمان‌های عالی همه مردم می‌باشد»^۳.

علاوه بر اسناد ذکر شده در فوق، اسناد مربوطه دیگری نیز در دهه‌های اخیر در سطح بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند. در واقع در دهه‌های اخیر نهادهای گوناگونی در سطح بین‌المللی کوشش نموده‌اند، تا با پذیرش اسنادی در زمینه تأثیر صلح بر حقوق بشر زمینه تقویت صلح و امنیت بین‌المللی را برای بهبود حقوق بشر در سطح جهان فراهم نمایند. در ضمن در کنار این کوشش‌ها، تلاش‌های جدیدی نیز صورت گرفته‌اند تا در قالب نسل سوم حقوق بشر، حق مستقلی به نام «حق برخورداری بشر از صلح»، به عنوان بنیادی‌ترین حقوق بشر که تحقق دیگر حقوق بشر وابسته به وجود آن می‌باشند، پذیرفته شده و به رسمیت شناخته شود. در همین راستا در ادامه به بررسی قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد (و کمیسیون فرعی آن)، و شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد پرداخته خواهد شد.

یکی از قطعنامه‌های مهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با تأثیر صلح بر حقوق بشر و حق برخورداری از صلح، قطعنامه مربوط به «اعلامیه راجع به آماده‌سازی جوامع

1. Proclamation of Tehran, Human Rights – A Compilation of International Instruments, UN Publication, Sales No. E. 78. XIV. 2, pp. 18 et seq.

2. that peace is the universal aspiration of mankind and that peace and justice are indispensable to the full realization of human rights and fundamental freedoms

3. General and complete disarmament is one of the highest aspirations of all peoples

برای صلح (۱۵ دسامبر ۱۹۷۸)^۱ می‌باشد. در مقدمه این اعلامیه «حق افراد، دولت‌ها و همه بشریت برای زندگی در صلح»^۲ مورد تأیید قرار گرفته^۳ و مطابق با اساسنامه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد تأکید می‌گردد که، «از آنجایی که جنگ‌ها در فکرها و ذهن‌های بشر شکل می‌گیرند، دفاع از صلح نیز بایستی در فکرها و ذهن‌های بشر شکل بگیرد». در ضمن در این مقدمه نیز به رسمیت شناخته می‌شود که، «صلح میان ملت‌ها یک ارزش برجسته بشریت می‌باشد»^۴. در بند ۱ این اعلامیه به زندگی در صلح به عنوان یک حق ذاتی یاد می‌شود. این بند بیان می‌دارد که، «هر ملتی و هر بشری، صرف نظر از نژاد، طرز فکر، زبان و یا جنس، از «حق ذاتی برای زندگی در صلح»^۵ برخوردار است. احترام به این حق و همچنین حقوق دیگر بشر، در جهت نفع مشترک تمام بشریت بوده و یک شرط اساسی برای پیشرفت همه ملت‌ها، بزرگ و کوچک، در همه زمین‌ها می‌باشد». در بند ۲ قسمت سوم این اعلامیه نیز مقرر می‌گردد که، «لازمه اجرای اصول درج شده در اعلامیه حاضر اقدام جدی از سوی دولت‌ها، سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن و به ویژه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی و ملی علاقمند، چه دولتی و چه غیردولتی، می‌باشد.

یکی دیگر از قطعنامه‌های مهم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ارتباط با تأثیر صلح بر حقوق بشر و حق برخورداری از صلح «اعلامیه حق مردمان نسبت به صلح (۱۲ نوامبر ۱۹۸۴)»^۶ می‌باشد. در مقدمه این اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد زندگی بدون جنگ را یک پیش شرط اولیه بین‌المللی برای رفاه مادی، توسعه و پیشرفت کشورها، و تحقق کامل حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر، و نیز برقراری یک صلح پایدار بر روی کره زمین را در عصر هسته‌ای یک شرط اولیه برای حفظ تمدن بشری و بقای بشر در نظر می‌گیرد. این مقدمه همچنین «حفظ

1. Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace
UN General Assembly Resolution 33/73, 15 December 1978. Also see "Implementation of the Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace", UN General Assembly Resolution 42/91, 7 December 1987.
2. right to life in peace
۳. در خصوص حق مردم نسبت به صلح، پس از قطعنامه ۳۳/۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸ میلادی، منشور آفریقایی راجع به حقوق بشر و حقوق مردم نیز در بند ۱ ماده ۲۳ خود مقرر می‌دارد که، «همه مردم از حق صلح و امنیت در سطح ملی و در سطح بین‌المللی برخوردار هستند».
Article 2(1), The African Charter on Human and Peoples' Rights, 17 June 1981.
4. peace among nations is mankind's paramount value
5. Inherent right to life in peace
6. "Declaration on the Right of Peoples to Peace", UN General Assembly Resolution 39/11, 12 November 1984.

یک زندگی صلح آمیز برای مردم را به عنوان یک وظیفه مقدس برای هر دولتی به رسمیت می‌شناسد»^۱. در بند ۱ این اعلامیه به طور قاطع اعلام می‌گردد: «مردم سیاره ما از یک حق مقدس نسبت به صلح^۲ برخوردار می‌باشند»؛ و در بند ۲ نیز بر این نکته تأکید می‌شود که حفظ حق مردم نسبت به صلح و ترویج اجرای آن یک تعهد بنیادین را برای هر دولتی^۳ تشکیل می‌دهد. بند ۳ اعلامیه نیز به اقداماتی که دولت‌ها لازم است در جهت تحقق بخشیدن به حق مردم نسبت به صلح اتخاذ نمایند اشاره نموده و تأکید می‌نماید: «لازمه اطمینان از اجرای حق مردم نسبت به صلح آن است که سیاست‌های دولت‌ها در جهت محو تهدید به جنگ، به ویژه جنگ هسته‌ای، منع استفاده از زور در روابط بین‌الملل، و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز بر اساس منشور سازمان ملل متحد باشد»^۴.

1. that the maintenance of a peaceful life for peoples is the sacred duty of each State
2. a sacred right to peace
3. a fundamental obligation of each State

۴. در قطعنامه A/RES/40/11 مورخ ۱۱ نوامبر ۱۹۸۵ میلادی با عنوان یکسان "حق مردمان نسبت به صلح" مجمع عمومی سازمان ملل متحد صلح را یک حق غیرقابل انکار هر بشری "peace is an inalienable right of every human being"

در نظر گرفته و تأکید می‌نماید که صلح یک ایده‌آل (آرمان) جهانی «a universal ideal» را تشکیل می‌دهد.

See "Right of peoples to peace", UN General Assembly Resolution A/RES/40/11, 11 November 1985. Also see "Right of peoples to peace", UN General Assembly Resolution A/RES/41/10, 24 October 1986, and "Right of peoples to peace", UN General Assembly Resolution A/RES/43/22, 11 November 1988.

در قطعنامه‌های ذیل نیز مجمع عمومی سازمان ملل متحد صلح را به عنوان «یک ایده‌آل (ارمان) جهانی» و «آرمان مشترک مردمان» معرفی می‌نماید.

International Year of Peace (1986) and Proclamation of the International Year of Peace (Annex), UN General Assembly Resolution A/RES/40/3, 24 October 1985, and Programme of the International Year of Peace, UN General Assembly Resolution A/RES/40/10, 11 November 1985.

همچنین در بند ۲ قطعنامه A/RES/42/13 مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی با عنوان «موفقیت‌های سال بین‌المللی صلح (۱۹۸۶)»، مجمع عمومی تأیید می‌نماید که صلح یک عنصر بنیادین موجودیت بشر بوده که ترویج آن یکی از اهداف اولیه سازمان ملل متحد است و دستیابی به آن ایده‌آل (آرمان) مشترک همه مردم جهان "the common ideal of all the peoples of the world" را تشکیل می‌دهد.

See "Achievements of the International Year of Peace", UN General Assembly Resolution A/RES/42/13, 28 October 1987.

همچنین به قطعنامه ۵۵/۲ مجمع عمومی (۸ سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی) با عنوان «اعلامیه هزاره سوم) سازمان ملل متحد»، به ویژه در چهارچوب دو هدف «صلح، امنیت و خلع سلاح» "Peace, security and disarmament"

و «حقوق بشر، دموکراسی و حکومت شایسته» "Human Rights, democracy and good governance" بنگرید.

United Nations Millennium Declaration, UN General Assembly Resolution A/RES/55/2, 8 September 2000. (G. A. Res. 55/2, U. N. GAOR, 55th Sess., Supp. No. 49, at 4, U. N. Doc. A/55/49 (2000)).

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز به ویژه در دهه آخر فعالیت خود (به عنوان یکی از نهادهای فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان) قطعنامه‌های قابل توجهی را در خصوص ضرورت وجود صلح و امنیت بین‌المللی برای تحقق حقوق بشر به ویژه حق حیات، صادر نموده است.^۱ یکی از این قطعنامه‌ها، قطعنامه ۱۹۹۶/۱۴ کمیسیون فرعی راجع به پیشگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها (کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد) مورخ ۲۳ اوت ۱۹۹۶ میلادی با عنوان «صلح و امنیت بین‌المللی به عنوان شرط اساسی برای برخورداری از حقوق بشر و بالاتر از همه حق حیات»^۲ می‌باشد. در این قطعنامه کمیسیون فرعی به طور خاص بر روی تأثیر منفی سلاح‌های هسته‌ای بر صلح و حقوق بشر تمرکز نموده و چنین ابراز می‌دارد: «این کمیسیون فرعی اعتقاد دارد کاهش سلاح‌های هسته‌ای در سطح جهان، منع تمامی آزمایشات هسته‌ای، و در نهایت محو کامل سلاح‌های هسته‌ای موجب تقویت صلح و امنیت بین‌المللی و حمایت از حقوق بشر و در رأس همه آن‌ها حق حیات می‌شود».^۳

۱. لازم به ذکر است که اولین بار کمیسیون حقوق بشر در قطعنامه خود در سال ۱۹۷۶ (Resolution 5/XXXII) بود که «حق زندگی در صلح» را به عنوان یک حق بشر به رسمیت شناخت. در این قطعنامه اعلام گردید که «هر کسی حق دارد تا در شرایط صلح و امنیت بین‌المللی زندگی نماید». این حق بعدها در اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد راجع به آماده‌سازی جوامع برای زندگی در صلح (۱۵ دسامبر ۱۹۷۸ میلادی) تأیید شد.

“everyone has the right to live in conditions of international peace and security”. UN Human Rights Commission Resolution 5 (XXXII), 27 February 1976.

همچنین پیش از آن در سال ۱۹۶۹ میلادی و در طی بیست و یکمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ در استانبول حق نسبت به صلح پایدار به عنوان یک حق بشر اعلام گردید.

Report of the Director-General on The Right to Peace, UNESCO's General Conference, 29th Session, Paris, 1997, 29 C/59, 29 October 1997, pp. 1-6, at 2.

2. “International peace and security as an essential condition for the enjoyment of human rights, above all the right to life”, Resolution 1996/14, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities (The Sub-Commission of the UN Commission on Human Rights, later named The Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights), 23 August 1996.

۳. در این قطعنامه رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۸ ژوئیه ۱۹۹۶ میلادی) در خصوص مشروعیت (یا عدم مشروعیت) تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای یادآوری می‌گردد.

The Advisory Opinion of the International Court of Justice of 8 July 1996 on Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons.

در این رأی مشورتی دیوان از جمله اعلام نمود که، «(الف) هیچ قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل عرفی و یا در حقوق بین‌الملل ناشی از معاهدات وجود ندارد تا به طور خاص تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را اجازه دهد، ... « و اینکه «(ه) ... تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به طور کلی برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل مربوط به تعارضات مسلحانه و به ویژه برخلاف اصول و قواعد حقوق بشردوستانه می‌باشد».

در قطعنامه بعدی با عنوان یکسان^۱، کمیسیون فرعی ضرورت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را برای تحقق حقوق بشر در چهارچوب منع سلاح‌های کشتار جمعی و برخی سلاح‌های دیگر مطرح می‌سازد. در مقدمه این قطعنامه کمیسیون فرعی نگرانی خود را در سه مورد ذیل ابراز می‌دارد: (الف) در خصوص استفاده‌های ادعا شده از سلاح‌های کشتار جمعی و یا سلاح‌های فاقد قابلیت تفکیک‌پذیری، چه بر ضد اعضای نیروهای مسلح و چه بر ضد جمعیت‌های غیرنظامی، سلاح‌های که منجر به مرگ، تحمل دردها و رنج‌ها، و معلولیت می‌گردند، (ب) در خصوص نتایج و آثار درازمدت استفاده از این سلاح‌ها بر حیات و سلامت بشر و بر محیط زیست، (ج) در خصوص خطرات جدی برای حیات بشر ناشی از آثار فیزیکی این سلاح‌ها بر محیط زیست، اجزای باقیمانده از این سلاح‌ها و تجهیزات آلوده رها شده است. همچنین در مقدمه این قطعنامه کمیسیون فرعی تولید، فروش و استفاده از این سلاح‌ها را با حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل بشردوستانه و نیز با ترویج و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در تعارض دانسته و در بند ۱ این قطعنامه نیز بر ضرورت منع تولید و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک)، سلاح‌های فاقد قابلیت تفکیک‌پذیری و سلاح‌های دارای آثار مشابه تأکید می‌نماید.^۲

همچنین کمیسیون حقوق بشر در راستای تقویت اعلامیه ۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در زمینه حق مردمان نسبت به صلح و ترویج این حق در سال‌های پیش از جایگزینی آن از سوی شورای حقوق بشر، قطعنامه‌هایی را صادر نموده است. یکی از این قطعنامه‌ها، قطعنامه ۲۰۰۱/۶۹ مورخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۱ میلادی با عنوان «ترویج حق مردمان نسبت به صلح»^۳ می‌باشد. در این قطعنامه نکات کلیدی و ماهوی اعلامیه مزبور دوباره ذکر گردیده و

1. "International peace and security as an essential condition for the enjoyment of human rights, above all the right to life", Resolution 1996/16, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 29 August 1996.

2. Also see: "International peace and security as an essential condition for the enjoyment of human rights, above all the right to life", Resolution 1997/36 (U. N. Doc. E/CN. 4/SUB. 2/RES/1997/36), Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 28 August 1997.

در این قطعنامه کمیسیون فرعی نگرانی خود را در خصوص استفاده‌های ادعا شده از سلاح‌های کشتار جمعی و یا سلاح‌هایی فاقد قابلیت تفکیک‌پذیری و یا سلاح‌هایی که دارای این ماهیت هستند که آسیب‌های بیش از حد و یا لطمات غیرضروری را وارد می‌سازند، هم بر ضد اعضای نیروهای مسلح و هم بر ضد جمعیت‌های غیرنظامی، که منجر به مرگ، تحمل دردها و رنج‌ها، و معلولیت می‌گردند، ابراز می‌دارد.

3. "Promotion of the right of peoples to peace", UN Commission on Human Rights Resolution 2001/69, 25 April 2001.

مورد تأکید قرار می‌گیرند.^۱ در این قطعنامه کمیسیون حقوق بشر، به رابطه نزدیک میان خلع سلاح و توسعه اشاره نموده، به گونه‌ای که پیشرفت در زمینه خلع سلاح موجب پیشرفت در زمینه توسعه گردیده، و در ادامه تأکید می‌نماید که منابع آزاد شده در نتیجه خلع سلاح بایستی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی و رفاه همه مردمان، و به ویژه مردم کشورهای در حال توسعه، به کار برده شوند. در بند ۴ این قطعنامه تأکید می‌گردد که همه دولت‌ها بایستی برقراری، حفظ و تقویت صلح و امنیت بین‌المللی را ترویج نموده و برای این هدف بایستی تمامی کوشش‌های خود را برای دستیابی به خلع سلاح کلی و کامل تحت نظارت بین‌المللی مؤثر به کار برده و اطمینان حاصل نمایند که منابع آزاد شده در نتیجه خلع سلاح مؤثر بایستی برای توسعه جامع، به ویژه توسعه جامع کشورهای در حال توسعه، به کار برده شوند در بند ۵ این قطعنامه نیز از همه دولت‌ها مصرانه خواسته می‌شود تا از استفاده از سلاح‌هایی که آثار تفکیک‌ناپذیری را برای سلامت بشر، محیط زیست و رفاه اقتصادی و اجتماعی به همراه دارند، خودداری نمایند.^۲

به دنبال جایگزینی شورای حقوق بشر (به عنوان یکی از نهادهای فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد) به جای کمیسیون حقوق بشر به موجب قطعنامه ۶۰/۵۱ مجمع عمومی مورخ ۱۵ مارس ۲۰۰۶ میلادی با عنوان «شورای حقوق بشر»^۳، این شورا فعالیت‌های صورت گرفته در چهارچوب کمیسیون حقوق بشر، از جمله در زمینه حق مردمان نسبت به صلح را دنبال نمود. اولین قطعنامه شورای حقوق بشر در این زمینه قطعنامه ۸/۹ مورخ ۱۲ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی با عنوان یکسانی با قطعنامه‌های کمیسیون حقوق بشر، یعنی «ترویج حق مردمان نسبت به صلح»^۴ صادر گردیده است.

۱. نکات کلیدی و ماهوی تکرار شده عبارتند از: (الف) زندگی بدون جنگ یک پیش‌شرط اولیه بین‌المللی برای رفاه مادی، توسعه و پیشرفت کشورها، و تحقق کامل حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر می‌باشد، (ب) مردم سیاره ما از یک حق مقدس نسبت به صلح برخوردار می‌باشند، (ج) حفظ حق مردم نسبت به صلح و ترویج اجرای آن یک تعهد بنیادین هر دولتی می‌باشد، (د) محو تهدید به جنگ، بویژه جنگ هسته‌ای، منع استفاده از زور در روابط بین‌الملل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز، لازمه اطمینان از اجرای حق مردم نسبت به صلح آن.

۲. همچنین در بند ۷ این قطعنامه از همه دولت‌ها مصرانه خواسته می‌شود که با در نظر گرفتن تمامی نتایج و آثار احتمالی برای صلح و امنیت جهانی و برای توسعه و تحقق کامل حقوق بشر از اتخاذ اقداماتی که منجر به یک مسابقه تسلیحاتی جدید می‌گردد، خودداری نمایند.

Also see "Promotion of the right of peoples to peace", UN Commission on Human Rights Resolution 2002/71, 25 April 2002, and "Promotion of the right of peoples to peace", UN Commission on Human Rights Resolution 2003/61, 25 April 2003.

نکته جدید در قطعنامه ۲۰۰۳/۶۱ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد آن است که در بند ۱ این قطعنامه تأکید می‌گردد: «صلح یک الزام حیاتی برای ترویج و حمایت از تمامی حقوق بشر برای همگان می‌باشد».

"peace is a vital requirement for the promotion and protection of all human rights for all"
3. "Human Rights Council", UN General Assembly Resolution A/RES/60/51, 16 March 2006.
4. "Promotion on the right of peoples to peace", Human Rights Council Resolution 8/9, 12 June 2008.

در مقدمه این قطعنامه شورای حقوق بشر بر تمامی قطعنامه‌های پیشین پذیرفته شده در خصوص «ترویج حق مردمان نسبت به صلح» از سوی مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر (سازمان ملل متحد) تأکید شده و تصریح گردیده است که هدف شورای حقوق بشر ترویج روابط بهتر میان تمام دولت‌ها و برقراری شرایطی است که در چنین شرایطی مردم بتوانند در یک صلح واقعی و پایدار، عاری از هر گونه تهدید و یا تلاشی بر ضد امنیت آن‌ها زندگی نمایند. همچنین در این مقدمه، به رسمیت شناخته می‌شود که صلح و توسعه به طور متقابل موجب تقویت تحقق یکدیگر می‌گردند و تأیید می‌گردد که حقوق بشر، حقوق اقتصادی و اجتماعی، حق صلح، حق برخورداری از یک محیط زیست سالم و حق توسعه را در برمی‌گیرند، و اینکه توسعه در حقیقت تبلوری از تحقق این حقوق می‌باشد. در این مقدمه به ویژه بر همکاری بین‌المللی میان دولت‌ها در زمینه حقوق بشر اشاره شده و بیان می‌گردد که شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اعتقاد دارد که همکاری بین‌المللی در زمینه حقوق بشر نقش مؤثری را در ایجاد یک محیط بین‌المللی برخوردار از صلح و ثبات ایفاء می‌نماید.^۱ در این قطعنامه حل و فصل اختلافات موجود میان دولت‌ها به عنوان یک الزام حیاتی برای ترویج و حمایت از تمامی حقوق بشر در نظر گرفته شده و تأکید نموده است که آموزش صلح به عنوان ابزاری برای ترویج تحقق حق مردم نسبت به صلح از اهمیت حیاتی (اساسی) برخوردار می‌باشد.^۲

۱. در این قطعنامه نکات قابل توجه درج شده در اعلامیه ۳۹/۱۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۲ نوامبر ۱۹۸۴ میلادی با عنوان «حق مردمان نسبت به صلح» و قطعنامه ۲۰۰۱/۶۹ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مورخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۱ میلادی با عنوان «ترویج حق مردمان نسبت به صلح» تکرار می‌شوند، نکاتی همچون: (الف) حق مقدس مردم نسبت به صلح؛ (ب) تعهد بنیادین برای هر دولت حفظ حق مردم نسبت به صلح و ترویج اجرای آن؛ و (ج) ضرورت محو تهدید به جنگ، به ویژه جنگ هسته‌ای، منع استفاده از زور در روابط بین‌الملل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز؛ برای تحقق حق مردم نسبت به صلح. در ضمن در بند ۳ این قطعنامه همچون بند ۱ قطعنامه ۲۰۰۲/۶۱ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد مورخ ۲۵ آوریل ۲۰۰۳ میلادی با عنوان «ترویج حق مردمان نسبت به صلح» بر این نکته که «صلح یک الزام حیاتی برای ترویج و حمایت از تمامی حقوق بشر برای همگان می‌باشد» تأکید گردیده است.
۲. یکی از نکات اساسی که در بند ۱۰ این قطعنامه تأکید شده است، در خواست شورای حقوق بشر از کمیسریای عالی سازمان ملل متحد برای ترویج و حمایت از تمامی حقوق بشر (The UN High Commissioner for the Promotion and Protection of All Human Rights) برای برگزاری کارگاه آموزشی سه روزه قبل از آوریل ۲۰۰۹ میلادی (سال جاری) در زمینه حق مردم نسبت به صلح می‌باشد، آن هم با حضور دو کارشناس از پنج گروه منطقه‌ای (تعریف شده از سوی سازمان ملل متحد). اهداف تعریف شده این کارگاه عبارتند از: (الف) محتوا و دامنه حق مردم را نسبت به صلح بیشتر مشخص نماید؛ (ب) اقداماتی پیشنهاد نماید که آگاهی در زمینه اهمیت تحقق حق مردم نسبت به صلح را افزایش می‌دهند؛ و (ج) اقدامات مهمی پیشنهاد نماید که بر اساس این پیشنهادها بتوان دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی را در جهت ترویج حق مردم نسبت به صلح پویا و با تحرک نمود.

همچنین در این قسمت از مقاله مناسب است تا در جهت تکمیل مقاله به کوشش‌هایی که در چهارچوب سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)^۱ و خارج از چهارچوب این سازمان برای تثبیت حق مردم نسبت به صلح نیز صورت گرفته‌اند، پرداخت. اولین اقدام در این زمینه از سوی دبیر کل وقت یونسکو، فدریکو مایور^۲ در ژانویه ۱۹۹۷ میلادی و آن هم در قالب تهیه یک اعلامیه راجع به حق صلح صورت گرفته است. در این اعلامیه صلح پایدار به عنوان یک پیش‌شرط لازم برای اجرای تمامی حقوق و وظایف بشر در نظر گرفته شد و تأکید گردید: «حق زندگی در صلح» بایستی به فهرست دیگر حقوق بشر از پیش به رسمیت شناخته شده اضافه شود. این اعلامیه در اختیار دبیر کل سازمان ملل متحد، وزرای امور خارجه و آموزش دولت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، مراکز حقوق بشر، مؤسسات آکادمیک و آموزشی و غیره قرار داده شد، که با استقبال بسیار مواجه شده و شناسایی کامل برای حق برخورداری بشر از صلح نیز مورد حمایت واقع شد. به دلیل این استقبال بود که یک اجلاس تخصصی در زمینه حق برخورداری بشر از صلح از سوی دانشگاه لاس پالماس^۳، مؤسسه بین قاره‌ای دموکراسی پارلمانی و حقوق بشر^۴ و یونسکو، با حمایت دولت جزایر قناری در لاس پالماس (اسپانیا)^۵، از ۲۳ تا ۲۵ فوریه ۱۹۹۷ برگزار شد.

یکی از نکات قابل توجه که در این اجلاس مطرح شد این نکته بود که آیا بررسی حق برخورداری بشر از صلح در چهارچوب صلاحیت یونسکو قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد که یونسکو در چهارچوب اساسنامه‌اش صلاحیت پرداختن به این موضوع را دارد. ابتدا در مقدمه این اساسنامه^۶ ارتباط میان صلح و حقوق بشر مورد تأکید واقع می‌شود، در جایی که بیان می‌گردد: «... آموزش بشر در زمینه عدالت و آزادی و صلح برای حفظ کرامت و شرافت بشر اساسی و ضروری است و یک وظیفه مقدس را تشکیل می‌دهد که همه ملت‌ها باید آن را به اجرا بگذارند». در همین ارتباط نیز ماده ۱ اساسنامه یونسکو صلح و حقوق بشر را به یکدیگر پیوند داده و تأکید می‌نماید: «هدف سازمان (یونسکو) آن است که از طریق ترویج همکاری میان ملت‌ها در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ موجب بهبود احترام جهانی به عدالت،

1. The United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

2. Federico Mayor

3. The Las Palmas University

4. The Tricontinental Institute of Parliamentary Democracy and Human Rights

5. The Government of the Canary Islands, Las Palmas (Spain)

6. Preamble, The Constitution of UNESCO, signed on 16 November 1945, came into force on 4 November 1946.

حکومت قانون و حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین... گردد و بدین وسیله نقش خود را در رابطه با صلح و امنیت بین‌المللی ایفاء نماید». در ضمن نقش ویژه یونسکو در تحقق حق برخورداری بشر از صلح در حقیقت در اعلامیه آماده‌سازی جوامع برای زندگی در صلح (قطعنامه ۳۳/۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۷۸ میلادی) به رسمیت شناخته شده است. در بند ۲ قسمت سوم این اعلامیه از دولت‌ها، سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن، به ویژه سازمان آموزش، علمی و فرهنگی ملل متحد، و نیز سازمان‌های بین‌المللی و ملی علاقمند، چه دولتی و چه غیردولتی خواسته می‌شود که اقدامات محکمی را در خصوص اصول اعلام شده در این اعلامیه اتخاذ نمایند.^۱ در ضمن از زمان شکل‌گیری یونسکو اسناد گوناگونی توسط این سازمان بین‌المللی پذیرفته شده‌اند که در برخی از آن‌ها به ارتباط میان صلح و حقوق بشر اشاره شده است.^۲

در هر صورت اجلاس لاس پالماس رابطه میان حقوق بشر و صلح را به رسمیت شناخت و تأکید نمود که حق دولت‌ها نسبت به صلح در نتیجه پذیرش اصول و معیارهایی مانند منع توسل به جنگ بر اساس منشور سازمان ملل متحد، منع تهدید و استفاده از زور (بند ۴ ماده ۲ منشور)، شناسایی جنگ تجاوزکارانه به عنوان یک جرم بر ضد صلح و در نظر گرفتن مسئولیت برای جنگ تجاوزکارانه از پیش در حقوق بین‌الملل به خوبی تثبیت شده است. با این وصف در بند ۳ بیانیه صادر شده در پایان اجلاس لاس پالماس^۳ به طور صریح به رسمیت شناخته شد که، «همه افراد بشر از حق نسبت به صلح برخوردار می‌گردند، حقی که به طور ذاتی در کرامت و شرافت بشریشان وجود دارد». در ضمن در این بیانیه تأکید گردید: «تحقق حق برخورداری بشر

۱. همچنین مجمع عمومی در قطعنامه ۵۰/۱۷۳ مورخ ۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ میلادی با عنوان «دهه سازمان ملل متحد برای آموزش حقوق بشر: حرکت به سوی فرهنگ صلح» و در قطعنامه ۵۱/۱۰۱ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ با عنوان «فرهنگ صلح» اهمیت این برنامه و صلاحیت یونسکو را در این زمینه به رسمیت شناخته است.

See "United Nations Decade for Human Rights Education: Towards a Culture of Peace", UN General Assembly Resolution 50/173, 22 December 1995, and "Culture of Peace", UN General Assembly Resolution 51/101, 12 December 1996.

۲. برای نمونه بنگرید به:

The Declaration of Fundamental Principles concerning the Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to Promotion of Human Rights (1978), and The Recommendation concerning Education for International Understanding, Co-operation and Peace and Education relating to Human Rights and Fundamental Freedoms (1974).

3. The Las Palmas Statement, Report of the Director-General on The Right to Peace, UNESCO's General Conference, 29th Session, Paris, 1997, 29 C/59, 29 October 1997, Annex I.

از صلح بدین معنا می‌باشد که افراد، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و تمام ایفاء‌کنندگان نقش در جامعه برای تحقق این حق دارای وظیفه می‌باشند؛ و اینکه حق برخورداری بشر از صلح باید از طریق تهیه یک اعلامیه راجع به حق برخورداری بشر از صلح در سطح بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، تضمین شده و حمایت شود» (بندهای ۴ و ۵ بیانیه).

در همین راستا با هدف تهیه پیش‌نویس اعلامیه راجع به حق برخورداری بشر از صلح اجلاسی از ۶ تا ۸ ژوئن ۱۹۹۷ در اسلو نروژ برگزار شد.^۱ در این اجلاس بود که پیش‌نویس اعلامیه اسلو راجع به حق برخورداری بشر از صلح^۲ پذیرفته شد. مقدمه این پیش‌نویس مفاد منشور سازمان ملل متحد، اساسنامه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد تأکید قرار داده و تصریح می‌نماید: «صلح، به عنوان یک آرمان مشترک همه بشریت، یک ارزش جهانی و بنیادین می‌باشد که همه افراد و همه مردمان و به ویژه جوانان جهان در جهت دست یافتن به آن تلاش می‌نمایند».^۳

ماده ۱ (الف) پیش‌نویس اعلامیه اسلو با عنوان «حق برخورداری بشر از صلح» اعلام می‌نماید: «هر بشری از حق نسبت به صلح برخوردار است، حقی که به طور ذاتی در کرامت و شرافت شخص بشر وجود دارد و جنگ، تعارضات مسلحانه، خشونت و عدم وجود امنیت با حق برخورداری بشر از صلح در تعارض می‌باشند. در ماده ۱ (ب) این پیش‌نویس با عنوان «صلح به عنوان یک وظیفه» نیز تأکید می‌گردد: «حق برخورداری بشر از صلح باید بدون هر گونه تبعیض در زمینه‌های ملی و یا بین‌المللی از سوی همه دولت‌ها و دیگر اعضای جامعه بین‌المللی تضمین شده، مورد احترام واقع شده و به اجرا گذاشته شود». همچنین در ماده ۳ (الف) این پیش‌نویس با عنوان «صلح از طریق فرهنگ صلح» با تأیید دیدگاه طرح شده در مقدمه اساسنامه یونسکو

۱. تعدادی از نمایندگان دولت‌های شرکت‌کننده در اجلاس اسلو ایراداتی را به صلاحیت یونسکو برای پذیرش پیش‌نویس اعلامیه راجع به حق برخورداری بشر از صلح وارد نمودند. از دیدگاه آن‌ها به نظر می‌رسید که این صلاحیت به طور صحیح‌تری بر عهده مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد و بنابراین یونسکو باید بر روی تلاش‌های خود در زمینه‌های تحت صلاحیتش (یعنی ترویج همکاری، درک و احترام در بین ملت‌ها در زمینه‌های آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات) تمرکز نماید به جای آنکه بر صدور یک اعلامیه مربوط به حقوق بشر متمرکز گردد.

۲. "The Oslo Draft Declaration on the Human Rights to Peace", Report of the Director-General on The Right to Peace, UNESCO's General Conference, 29th Session, Paris, 1997, 29 C/59, 29 October 1997. Annex II.

۳. همچنین این مقدمه بیان می‌دارد که «شناسایی حق برخورداری بشر از صلح می‌تواند به طور کامل به صلح ابعاد حقوق بشری دهد».

تأکید می‌نماید که فرهنگ صلح، که هدف آن شکل‌گیری دفاع از صلح در ذهن‌های افراد بشر به صورت روزمره از طریق آموزش، علوم و ارتباطات می‌باشد، باید ابزاری باشد برای آنکه حق برخورداری بشر از صلح در سطح جهانی تحقق یابد.^۱

در چهارچوب نقش به رسمیت شناخته شده برای یونسکو در زمینه گسترش و ترویج فرهنگ صلح نیز مناسب است به بررسی «اعلامیه (و برنامه اقدام) راجع به فرهنگ صلح» (قطعنامه ۴۳/۲۴۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۹ میلادی)^۲ نیز پرداخت. در مقدمه این اعلامیه بر این نکته قابل توجه درج شده در مقدمه اساسنامه سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد یونسکو که از آنجایی که جنگ‌ها در افکار بشر شکل می‌گیرند، دفاع از صلح نیز باید در افکار بشر شکل گیرد^۳، اشاره شده^۴ و در این راستا به نقش مهمی که این سازمان در ترویج فرهنگ صلح ایفاء می‌نماید، تأکید گردیده است.^۵ بر طبق ماده ۱ این اعلامیه فرهنگ صلح یک مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز فکرها، سنت‌ها و روش‌های رفتاری و راه‌های زندگی بر اساس موارد ذیل می‌باشد: (الف) احترام به حیات و زندگانی، پایان دادن به خشونت و ترویج و اجرای عدم خشونت از طریق آموزش، گفتگو و همکاری؛ (ب) احترام کامل به اصول حاکمیت، تمامیت سرزمینی و استقلال سیاسی دولت‌ها و عدم مداخله در موضوعاتی که به طور اساسی در داخل صلاحیت هر دولتی قرار می‌گیرند، مطابق با منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل؛ (ج) احترام کامل به تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و ترویج آن‌ها؛ (د) تعهد به حل و فصل صلح‌آمیز تعارضات؛ (ه) کوشش‌ها برای برآورده ساختن نیازهای توسعه و زیست محیطی نسل‌های

1. Report of the Director-General on the Results of the International Consultations of Governmental Experts on the Human Right to Peace, 154th Session, Executive Board, UNESCO, Paris, 154 EX/40, 17 April 1998.

2. "Declaration (and Programme of Action on a Culture of Peace)", UN General Assembly Resolution A/RES/53/243, 13 September 1999.

3. since wars begin in the minds of men, it is in the minds of men that the defences of peace must be constructed

۴. در مقدمه این اعلامیه همچنین به قطعنامه ۵۲/۱۵ مورخ ۲۰ نوامبر ۱۹۹۷ میلادی (که در آن سال ۲۰۰۰ میلادی به عنوان «سال بین‌المللی فرهنگ صلح» "International Year for the Culture of Peace" اعلام شد و قطعنامه ۵۳/۲۵ مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۹۸ میلادی (که در آن دوره ۲۰۱۰-۲۰۰۱ میلادی به عنوان «دهه بین‌المللی برای فرهنگ صلح و منع خشونت بر ضد کودکان جهان» "International Decade for a Culture of Peace and Non-Violence for the Children of the World" اعلام شد، اشاره شده است.

۵. مجمع عمومی هدف از پذیرش اعلامیه فرهنگ صلح را در مقدمه این اعلامیه این گونه بیان می‌دارد که «مقررات آن دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی را در فعالیت‌هایشان در راستای ترویج و تقویت فرهنگ صلح در هزاره جدید (هزاره سوم) هدایت نمایند».

حاضر و آینده؛ (و) احترام به حق توسعه و ترویج آن؛ (ز) احترام به حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان و ترویج آن‌ها؛ (ح) احترام به حق هر کس نسبت به آزادی ابراز نظر، عقیده و دسترسی به اطلاعات و ترویج آن‌ها؛ (ط) حمایت از اصول آزادی، عدالت، دموکراسی، تحمل، یکپارچگی، همکاری، چندجانبه‌گرایی، تنوع فرهنگی، گفتگو، درک در تمامی سطوح جامعه و در میان ملت‌ها، و برخورداری از یک محیط زیست ملی و بین‌المللی که از توانایی برای دستیابی به صلح برخوردار باشد.^۱ در ماده ۴ این اعلامیه بر آموزش، به ویژه آموزش حقوق بشر، در تمامی سطوح به عنوان یکی از راه‌های اصلی برای شکل‌گیری فرهنگ صلح تأکید گردیده^۲ و در ماده ۵ این اعلامیه نیز تصریح می‌گردد که دولت‌ها نقش اساسی در ترویج و تقویت فرهنگ صلح دارند. همچنین در ماده ۹ این اعلامیه تأکید می‌شود که سازمان ملل متحد باید به نقش اساسی خود در ترویج و تقویت فرهنگ صلح ادامه دهد.^۳

همچنین کوشش‌هایی از سوی برخی از نهادهای غیردولتی برای تدوین یک پیش‌نویس اعلامیه راجع به حق برخورداری بشر از صلح صورت گرفته‌اند. یک نمونه از این کوشش‌ها پذیرش «اعلامیه Luarca راجع به حق برخورداری بشر از صلح»^۴ می‌باشد که از سوی جامعه اسپانیایی برای پیشبرد حقوق بین‌الملل بشر در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۶ میلادی پذیرفته شد^۵ و در ۱۵

۱. همچنین به ماده ۳ این اعلامیه بنگرید.

۲. همچنین مواد ۷ و ۸ اعلامیه به نقش آموزشی رسانه‌ها و نقش کلیدی افراد و گروه‌های خاصی در جامعه (مانند والدین، معلمان، سیاستمداران، خبرنگاران، نهادها و گروه‌های مذهبی، متفکران، و سازمان‌های غیردولتی) در ترویج فرهنگ صلح اشاره می‌نمایند.

۳. همچنین به «برنامه اقدام راجع به فرهنگ صلح» "Programme of Action on a Culture of Peace" در چهارچوب قطعنامه A/RES/53/243 مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۹ میلادی) بنگرید.

4. The "Luarca Declaration on the Human Right to Peace"- The Spanish Society for the Advancement of the International Human Rights Law (The SSIHRL)

The Luarca declaration can be accessed at: Luarca Declaration On The Human Right To Peace, <http://www.aedidh.org/libro2/Luarca%20%20Declaration.htm>, pp. 1-12.

۵. اعلامیه Luarca راجع به حق برخورداری بشر از صلح از یک مقدمه در ۲۱ بند و ۱۸ ماده در دو بخش و مقررات نهایی (Final Provisions) تشکیل می‌شود. بخش اول تحت عنوان «عناصر حق برخورداری بشر از صلح» "Elements of the Human Right to Peace" نیز از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول با عنوان «حقوق» (Rights) مواد ۱ تا ۱۵ را در بر می‌گیرد، و قسمت دوم با عنوان «تعهدات» (Obligations) ماده ۱۶ را در بر می‌گیرد. بخش دوم اعلامیه نیز تحت عنوان «اجرای اعلامیه» (Implementation of the Declaration) می‌باشد که مواد ۱۷ و ۱۸ را در بر می‌گیرد. مقررات نهایی نیز در سه بند می‌باشند. ۱۸ ماده اعلامیه Luarca به شرح ذیل می‌باشند:

مارس ۲۰۰۷ میلادی به طور رسمی به اجلاس چهارم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای بررسی تقدیم شد.^۱ بر طبق ماده ۱ این اعلامیه با عنوان «برخوردار شوندگان از حق صلح» افراد، گروه‌ها و مردمان از حق انکارناپذیر نسبت به یک صلح عادلانه، پایدار و مداوم برخوردار هستند...؛ ماده ۳ (الف) این اعلامیه با عنوان «حق برخورداری بشر از امنیت» نیز اعلام می‌نماید: «هر کس از حق برخورداری بشر از امنیت بهره‌مند می‌باشد».^۲

اعلامیه Luarca علاوه بر حق برخورداری بشر از صلح و امنیت، حقوق دیگری را در این چهارچوب مورد تأکید قرار می‌دهد. این حقوق عبارتند از: «حق زندگی در یک محیط زیست ایمن و سالم (ماده ۴ اعلامیه)؛ حق نافرمانی و اعتراض آگاهانه (در خصوص تهدیدهای نسبت به صلح» (ماده ۵ اعلامیه)؛ حق مقاومت و مخالفت با اقدامات بربرانه در خصوص نقض جدی حق برخورداری بشر از صلح و نقض حق تعیین سرنوشت مردمان، و مخالفت با جنگ، جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت، و جرائم کشتار دسته جمعی و تجاوز سرزمینی (ماده ۶ اعلامیه)؛ حق نسبت به خلع سلاح (ماده ۱۱ اعلامیه)؛ حق توسعه (ماده ۱۲ اعلامیه)؛ و حق برخورداری از محیط زیست طبیعی پایدار (ماده ۱۳ اعلامیه)».

ماده ۱۶ اعلامیه نیز به «تعهدات مربوط به تحقق حق برخورداری بشر از صلح» می‌پردازد. هر چند در بند ۲ این ماده مسئولیت بنیادین برای حفظ صلح و حمایت از حق برخورداری بشر از صلح بر عهده دولت‌ها و همچنین سازمان ملل متحد گذارده می‌شود، بند ۱ این ماده لازمه تحقق مؤثر و عملی حق برخورداری بشر از صلح را در نظر گرفتن وظایف و تعهداتی برای دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، جامعه مدنی، مردم، شخصیت‌های حقوقی، و در کل جامعه

۱. تهیه این اعلامیه حاصل کوشش‌های جامعه اسپانیایی برای پیشبرد حقوق بین‌الملل بشر و دیگر گروه‌های علاقمند در چهارچوب برگزاری سمینارهای علمی و کارشناسی در خصوص حق برخورداری بشر از صلح در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ میلادی بوده است.

۲. ماده ۳ (الف) اعلامیه همچنین تصریح می‌نماید که «این حق از جمله حقوق ذیل را در بر می‌گیرد: (الف) حق برخورداری از ابزارها، وسایل و منبع مادی به منظور آنکه هرکس بتواند به طور کامل از یک زندگی دارای ارزش برای حیثیت بشری برخوردار باشد، و برای آن هدف، از حق دسترسی به غذا و آب آشامیدنی لازم، مراقبت‌های اولیه بهداشتی، پوشاک و مسکن اساسی، و آموزش پایه برخوردار باشد؛ (ب) حق برخورداری از شرایط منصفانه و عادلانه برای اشتغال و شرکت در اتحادیه‌های کارگری، و حق برخورداری از حمایت از خدمات اجتماعی، بر اساس شرایط یکسان برای اشخاصی که شغل یکسانی دارند و یا خدمات یکسانی را ارائه می‌دهند».

بین‌المللی می‌داند. در بند ۵ ماده ۱۶ اعلامیه Luarca نیز اعلام گردیده است که هر مداخله نظامی یکجانبه (یا چند جانبه) از سوی یک یا چند دولت، بدون اجازه صریح از سوی شورای امنیت در چهارچوب منشور سازمان ملل متحد غیرقابل پذیرش است و یک نقض جدی اهداف و اصول درج شده در منشور سازمان ملل متحد را تشکیل می‌دهد و برخلاف حق برخورداری بشر از صلح می‌باشد.^۱

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در این مقاله نشان داده شد، بررسی اسناد بین‌المللی گوناگون، از اسناد نیمه اول قرن بیستم میلادی گرفته تا سال‌هایی از دهه اول قرن بیست و یکم میلادی، همگی نشانگر وجود یک رابطه انکارناپذیر میان حقوق بشر و صلح و امنیت بین‌المللی، و نیز بیانگر تأثیر متقابل آن‌ها بر یکدیگر می‌باشند. از میثاق جامعه ملل (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ میلادی) گرفته تا قطعنامه ۸/۹ شورای حقوق بشر با عنوان «ترویج حق مردمان نسبت به صلح» (۱۲ ژوئن ۲۰۰۸ میلادی)، همه و همه این نکته مهم را یاد آور می‌شوند که، صلح پایدار بدون رعایت کامل حقوق بشر تحقق نمی‌یابد و حقوق بشر نیز بدون صلح و امنیت نمی‌توانند به طور کامل به اجرا در آیند.^۲ این نکته به روشنی نشان‌دهنده وابستگی متقابل حقوق بشر و

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص اعلامیه Luarca راجع به حق برخورداری بشر از صلح، برای نمونه بنگرید به: *Luraca Declaration on the Right to Peace*, SSIHRL (Spanish Society for the Advancement of the International Human Rights Law), Oviedo, Madu Ediciones, 2007.

Also see: *The Human Right to Peace: Spanish International Law Experts Demand on Extension of the UN-Charter*, [Current Concerns](http://www.currentconcerns.ch/index.php?id=287), No 5, 2007. Available at: <http://www.currentconcerns.ch/index.php?id=287>, pp. 1-5.

۲. همان‌گونه که پاپ John Paul II در ۲۷ مه ۲۰۰۴ میلادی به درستی اظهار داشته است: «هیچ صلح واقعی بدون احترام به حقوق بشر نمی‌تواند وجود داشته باشد». وی به نقض‌های حقوق بشر در سرتاسر جهان اشاره می‌نماید و در رابطه با برخورد با این نقض‌ها و رعایت حقوق بشر بیان می‌دارد که «صلح وجود خواهد داشت، اگر ما همه از خود حرکت نشان دهیم... فقط صلح ما را قادر می‌سازد که به آینده امیدوار باشیم». همچنین وی تأکید می‌نماید که «وجدان‌ها بایستی آموزش داده شوند به گونه‌ای که خشونت غیرقابل تحملی که بر برادران ما تحمیل می‌شود یک بار و برای همیشه متوقف گردد، و به گونه‌ای که همه مردم از خود حرکت نشان می‌دهند تا اطمینان حاصل گردد که حقوق بنیادین همه افراد مورد احترام واقع می‌شوند. ما نمی‌توانیم در صلح زندگی نماییم، و قلبهایمان نمی‌توانند در صلح باقی بمانند، اگر با مردم به صورتی محترمانه رفتار نشود. ما وظیفه داریم تا وحدت خود را به همه نشان دهیم».

“No peace without respect for human rights, Says Pope”, <http://www.zenit.org/article-10204?l=english>, p. 2.

صلح به یکدیگر می‌باشد، به گونه‌ای که نمی‌توان حقوق بشر را بدون صلح و صلح را بدون حقوق بشر تصور نمود. بنابراین همان‌گونه که حقوق بشر به صلح نیاز دارد، صلح نیز به حقوق بشر نیاز دارد.

نگاهی دقیق به چگونگی توسعه و تحول صورت گرفته در محتوای اسناد بین‌المللی مزبور نشان‌دهنده آن است که جامعه بین‌المللی در یک مسیر منطقی و درست برای رسیدن به ارزش‌های کنونی در زمینه حقوق بشر و صلح قرار داشته است، مسیری که نشان‌دهنده توسعه و تحول قواعد حقوق بین‌المللی در رابطه با صلح و حقوق بشر می‌باشد. از شکل‌گیری اصل کلاسیک منع استفاده از زور گرفته تا شکل‌گیری «حق مقدس» جدیدی به نام «حق برخورداری بشر از صلح». البته رسیدن به چنین جایگاهی به سادگی امکان‌پذیر نگردیده، بلکه نتیجه تجربیات گرانبهای حاصل شده در اثر وقوع جنگ‌ها و تعارضات بسیاری، چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی، بوده است، جنگ‌ها و تعارضاتی که با نقض جدی و گسترده حقوق بشر همراه بوده‌اند و دردها و آلام غیرقابل وصفی را برای جامعه بشریت به همراه داشته‌اند. به هر حال، با وجود این تجربیات هنوز جامعه جهانی از وجود برخی جنگ‌ها و تعارضات رنج می‌برد و حقوق بشر همچنان نقض می‌شوند. بر این اساس جهان امروز بیش از هر چیز دیگری به صلح نیاز دارد، صلحی که در بستر آن بتوان حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین را مورد احترام قرار داده و رعایت نمود.

همان‌گونه که بر اساس اسناد بین‌المللی نشان داده شد، رعایت حقوق بشر نیز به نوبه خود برای حفظ صلح و پیشگیری از تعارضات لازم و ضروری بوده است. بدون تردید در جوامعی که فرصت‌های برابر برای زندگی وجود ندارند و یا با برخی از گروه‌های اجتماع رفتار غیرمنصفانه‌ای صورت می‌گیرد، زمینه برای تعارضات داخلی فراهم می‌باشد.^۱ در

۱. بر اساس یک دیدگاه مطرح شده، یک ارتباط تنگاتنگی میان امنیت فردی، امنیت ملی، و امنیت بین‌المللی وجود دارد، بدین گونه که امنیت فردی باید بر اساس امنیت ملی استوار باشد و امنیت ملی نیز بایستی بر امنیت بین‌المللی استوار باشد. به عبارت دیگر هر گاه امنیت فردی وجود داشته باشد، امنیت ملی وجود دارد و زمانی که امنیت ملی وجود دارد، امنیت بین‌المللی نیز وجود خواهد داشت. بر اساس این دیدگاه رعایت حقوق بشر زمینه را برای تأمین امنیت فردی فراهم می‌سازد، و از آنجایی که امنیت فردی در مقیاس وسیع‌تر می‌تواند زمینه را برای تأمین امنیت ملی و نیز امنیت بین‌المللی فراهم سازد، این اعتقاد وجود دارد که امنیت ملی و امنیت بین‌المللی نمی‌توانند بدون رعایت حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تأمین گردد؛ و یا به بیان دیگر امنیت ملی و امنیت بین‌المللی با رعایت حقوق بشر است که تأمین می‌گردد.

مقابل نیز در جامعه‌ای که حقوق بشر با حسن نیت به طور کامل رعایت می‌شوند، جامعه‌ای که روح حقوق بشر در کالبد آن دمیده شده است و جامعه‌ای که در آن فرهنگ حقوق بشر وجود دارد، احتمال بروز تعارضات و درگیری‌ها بسیار کمتر می‌باشد.^۱ بنابراین لازمه حفظ صلح، حفظ حقوق بشر است.

در نهایت نیز جامعه بین‌المللی در راستای تحقق حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به این نتیجه رسیده است که بهترین راه برای حفظ صلح استفاده از مکانیزم حقوق بشری است، بدین معنا که حق بشری به نام «حق برخورداری بشر از صلح» به عنوان یک گونه از نسل سوم حقوق بشر تعریف شود تا در پرتو این حق نه تنها صلح و امنیت و آرامش جامعه بشری حفظ گردد، بلکه در بستر چنین صلح و امنیت و آرامشی تمامی دیگر حقوق بشر نیز به طور کامل تحقق یابند.^۲

باید توجه داشت که با وجود اسناد بین‌المللی بسیاری مبنی بر به رسمیت شناختن «حق برخورداری بشر از صلح»، این حق به سادگی تحقق نمی‌یابد. بنابراین کوشش‌های جهانی باید به گونه‌ای صورت گیرند که صلح واقعی و جهانی به صورت عملی تحقق یابد تا در چنین جامعه جهانی بتوان شاهد برخورداری کامل از حقوق بشر بود.

بدین ترتیب می‌توان گفت که اکنون زمان آن فرا رسیده که همه دولت‌ها در جهت تحقق کامل و عملی این حق گام بردارند. در همین راستا برای دستیابی به صلح واقعی و پایدار در سطح جهان، از جمله و به ویژه در چهارچوب «حق برخورداری بشر از صلح»، دولت‌ها بایستی اقدامات اساسی ذیل را اتخاذ نمایند: (الف) به عنوان یک تعهد بنیادین، به تمامی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین به رسمیت شناخته شده در سطح جهانی احترام بگذارند؛ (ب) برای پیشگیری از تعارضات احتمالی، اختلافات بین‌المللی خود را از طریق شیوه‌های صلح‌آمیز حل و فصل نمایند؛ (ج) از هر گونه استفاده غیرقانونی و یکجانبه از تهدید و یا زور خودداری نمایند؛ (د) برای رفع هر گونه تهدیدهای نسبت به صلح، در اولین

1. Ramcharan, Bertrand G. , Human Rights and Human security, <http://www.humansecurity-chs.org/activities/outreach/ramcharan.pdf>, pp. 1-8, at 3.

۲. در واقع «حق برخورداری بشر از صلح» اساسی‌ترین حق بشر می‌باشد به دلیل آنکه فقط در صورتی که بشریت از صلح بهره‌مند گردد می‌تواند حقوق بشر نسل‌های اول و دوم (یعنی حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی) را در کنار دیگر حقوق بشر نسل سوم (مانند حق توسعه و حق برخورداری از محیط زیست سالم) به اجرا درآورد.

فرصت ممکن در جهت خلع سلاح کلی و عمومی اقدام نمایند؛ (ه) همکاری‌های بین‌المللی میان خود را، به ویژه در زمینه حقوق بشر و صلح، تقویت نموده و گسترش دهند؛ (و) فرهنگ صلح را از طریق شیوه‌های مؤثری همچون آموزش حقوق بشر، از جمله حق برخورداری بشر از صلح، ترویج نموده و گسترش دهند؛ (ز) منابع مالی خود را برای اهداف توسعه جامع و پایدار مبتنی بر عدالت در سطح جهان به کار برند.

در نهایت باید تأکید نمود که احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و همچنین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در نتیجه تبلور واقعی «حق برخورداری بشر از صلح، فقط مسئولیت دولت‌ها نبوده، بلکه در کنار دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و مردم جهان و در یک کلام تمامی جامعه بین‌المللی، نیز بایستی در این زمینه نقش خود را ایفاء نمایند. فقط زمانی حقوق بشر به طور کامل در محیط بین‌المللی ایمن، با ثبات و پایدار تحقق پیدا خواهند نمود که همه جامعه بین‌المللی در جهت احترام کامل به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین و برقراری صلح و امنیت پایدار نقش خود را به طور مؤثر ایفاء نمایند. آنگاه می‌توان به چنین جامعه بین‌المللی امیدوار بود، جامعه‌ای که در آن منافع همگان در بستر رعایت حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت تأمین خواهند گردید.

منابع

1. "Achievements of the International Year of Peace", UN General Assembly Resolution A/RES/42/13, 28 October 1987.
2. "Alternative approaches and ways and means within the United Nations system for improving the effective enjoyment of human rights and fundamental freedoms", UN General Assembly Resolution 32/130, 16 December 1977.
3. "Culture of Peace", UN General Assembly Resolution 51/101, 12 December 1996.
4. "Declaration (and Programme of Action on a Culture of Peace)", UN General Assembly Resolution A/RES/53/243, 13 September 1999.
5. "Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace", UN General Assembly Resolution 33/73, 15 December 1978.
6. "Declaration on Principles of International Law concerning Friendly Relations and Co-operation among States in accordance with the Charter of the United Nations", UN General Assembly Resolution 2625 (XXV), Annex, 24 October 1970. 25 UN GAOR, Supp. (no. 28), U. N. Doc A/5217 at 121 (1970).
7. "Declaration on the Right of Peoples to Peace", UNGA Resolution 39/11, 12 November 1984.
8. Draft Principles On Human Rights And The Environment, E/CN. 4/Sub.

- 2/1994/9, Annex I (1994).
9. Forsythe, David P. , Human Rights and Peace: International and National dimensions, University of Nebraska Press, Lincoln, 1993.
 10. Forsythe, David P. , “Peace and Human Rights”, Encyclopedia of Human Rights, Available at:
 11. <http://www.routledge-ny.com/enc/humanrightss/peace.html>.
 12. “Human Rights Council”, UN General Assembly Resolution A/RES/60/51, 16 March 2006.
 13. Human Rights Today: A United Nations Priority,
 14. <http://www.un.org/rights/HRToday/>.
 15. “Implementation of the Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace”, UN General Assembly Resolution 42/91, 7 December 1987.
 16. “Indivisibility and interdependence of economic, social, cultural, civil and political rights”, UN General Assembly Resolution A/RES/42/102, 7 December 1987.
 17. “Indivisibility and interdependence of economic, social, cultural, civil and political rights”, and UN General Assembly Resolution 43/113, 8 December 1988.
 18. “Indivisibility and interdependence of economic, social, cultural, civil and political rights”, UN General Assembly Resolution A/RES/44/130, 15 December 1989.
 19. “International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, International Covenant on Civil And Political Rights and Optional Protocol to The International Covenant on Civil and Political Right”, UN General Assembly Resolution 2200 (XXI), 16 December 1966.
 20. “International peace and security as an essential condition for the enjoyment of human rights, above all the right to life”, Resolution 1996/14, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 23 August 1996.
 21. “International peace and security as an essential condition for the enjoyment of human rights, above all the right to life”, Resolution 1996/16, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 29 August 1996.
 22. “International peace and security as an essential condition for the enjoyment of human rights, above all the right to life”, Resolution 1997/36 (U. N. Doc. E/CN.4?SUB.2/RES/1997/36), Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 28 August 1997.
 23. International Year of Peace (1986) and Proclamation of the International Year of Peace (Annex), UN General Assembly Resolution A/RES/40/3, 24 October 1985.
 24. Kirchner, Stefan, “The Human Rights Dimensions of International Peace and Security: Humanitarian Intervention after 9/11”, Journal of Humanitarian Assistance, 25 October 2004, Available at: <http://www.jha.ac/articles/a143.pdf>.
 25. Luraca Declaration on the Right to Peace, SSIHRL (Spanish Society for the Advancement of the International Human Rights Law), Oviedo, Madu Ediciones, 2007.

26. Maiese, Mishelle, "Human Rights Protection,
27. http://www.beyondintractability.org/essay/human_rights_protect.
28. "No peace without respect for human rights, Says Pope",
29. <http://www.zenit.org/article-10204?l=english>.
30. Official Records of the UN General Assembly, 36th Session, Supplement No. 1 (A/36/1), Section VIII. .
31. Official Records of the UN General Assembly, 36th Session, Supplement No. 6 (A/33/6/Rev. 1), Vol. I, Ch. 9.
32. Programme of the International Year of Peace, UN General Assembly Resolution A/RES/40/10, 11 November 1985.
33. "Promotion of Peace as a Vital Requirement for Full Enjoyment of All Human Rights by All", UNGA Resolution 62/163, 18 December 2007.
34. "Promotion of the right of peoples to peace", UN Commission on Human Rights Resolution 2001/69, 25 April 2001.
35. "Promotion of the right of peoples to peace", UN Commission on Human Rights Resolution 2002/71, 25 April 2002.
36. "Promotion of the right of peoples to peace", UN Commission on Human Rights Resolution 2003/61, 25 April 2003.
37. "Promotion on the right of peoples to peace", Human Rights Council Resolution 8/9, 12 June 2008.
38. "Right of peoples to peace", UN General Assembly Resolution A/RES/40/11, 11 November 1985.
39. "Right of peoples to peace", UN General Assembly Resolution A/RES/41/10, 24 October 1986, and "Right of peoples to peace", UN General Assembly Resolution A/RES/43/22, 11 November 1988.
40. Rebteln, Dundes, International Human Rights: Universalism Versus Relativism, 1st ed. , Sage, Newbury Park, 1990.
41. Report of the Director-General on the Results of the International Consultations of Governmental Experts on the Human Right to Peace, 154th Session, Executive Board, UNESCO, Paris, 154 EX/40, 17 April 1998.
42. Report of the Director-General on The Right to Peace, UNESCO's General Conference, 29th Session, Paris, 1997, 29 C/59, 29 October 1997.
43. Roche, Douglas, The Human Right to Peace, Novalis, Toronto, 2003.
44. Rome Statute of the International Criminal Court, Adopted by the United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court on 17 July 1998, Entry into force: 1 July 2002, in accordance with article 126
45. Soysal, Mumtaz, Nobel Lecture, 11 December 1977, Nobel Lectures, Peace 1971-1980, Tore Frangsmyr and Irwin Abrams, Scientific Publishing Co. , Singapore, 1997. Available at:
46. http://nobleprize.org/nobel_prizes/peace/laureats/1977/amnest-lecture.html.
47. Teson, Fernando R. , International Huamn Rights and Cultural Relativism, Virginia Journal of International Law 25, 1985.
48. The Advisory Opinion of the International Court of Justice of 8 July 1996 on

- Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons.
49. The African Charter on Human and Peoples' Rights, 17 June 1981.
 50. The Charter of the United Nations, 26 June 1945.
 51. The Constitution of the International Labour Organization (1919).
 52. The Constitution of the United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organisation (UNESCO), signed on 16 November 1945, came into force on 4 November 1946.
 53. The Covenant of the League of Nations, 28 June 1919.
 54. The Declaration of Fundamental Principles concerning the Contribution of the Mass Media to Strengthening Peace and International Understanding, to Promotion of Human Rights (1978).
 55. The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, Rome, 4 November 1950.
 56. The Human Right to Peace: Spanish International Law Experts Demand on Extension of the UN-Charter, Current Concerns, No 5, 2007. Available at:
 57. <http://www.currentconcerns.ch/index.php?id=287>.
 58. The Kishinev Declaration for the Culture of Peace and Dialogue of Civilizations, International forum for a Culture of Peace and Dialogue of Civilizations, 16-18 May 1998, Kishinev, Republic of Moldova.
 59. The Las Palmas Statement, Report of the Director-General on The Right to Peace, UNESCO's General Conference, 29th Session, Paris, 1997, 29 C/59, 29 October 1997, Annex I.
 60. The "Luarca Declaration on the Human Right to Peace"- The Spanish Society for the Advancement of the International Human Rights Law (The SSIHRL), <http://www.aedidh.org/libro2/Luarca%20%20Declaration.htm>, pp. 1-12
 61. "The Oslo Draft Declaration on the Human Rights to Peace", Report of the Director-General on The Right to Peace, UNESCO's General Conference, 29th Session, Paris, 1997, 29 C/59, 29 October 1997. Annex II.
 62. The Proclamation of Tehran, Human Rights (13 May 1968) – A Compilation of International Instruments, UN Publication, Sales No. E. 78. XIV. 2, pp. 18 et seq.
 63. The Recommendation concerning Education for International Understanding, Co-operation and Peace and Education relating to Human Rights and Fundamental Freedoms (1974).
 64. "The Right to Peace", Canadian Senator Douglas Roche Speech, International Conference on Universal Rights and Human Values, a Blueprint for Peace, Justice and Freedom", Edmonton, Alberta, Canada, 26-28 November 1998. Available at: <http://www.peace.ca/senatorroce.htm>.
 65. The Rio Declaration on Environment and Development, 124 June 1992.
 66. The Treaty of Versailles, 28 June 1919
 67. The Universal Declaration of Human Rights (International Bill of Human Rights), UN General Assembly Resolution A/RES/3/217 A, U. N. Doc. A/811, 10 December 1948.
 68. The Vienna Declaration (and Programme of Action), World Conference on Human Rights, Vienna 14-25 June 1993, U. N. Doc. A/CONF. 152/24 (Part I) at

- 20 (1993).
69. "United Nations Decade for Human Rights Education: Towards a Culture of Peace", UN General Assembly Resolution 50/173, 22 December 1995.
 70. "United Nations Millennium Declaration", UN General Assembly Resolution A/RES/55/2, 8 September 2000. (G. A. Res. 55/2, U. N. GAOR, 55th Sess. , Supp. No. 49, at 4, U. N. Doc. A/55/49 (2000)).
 71. UN Human Rights Commission Resolution 5 (XXXII), 27 February 1976.
 72. UN Security Council Resolution 1244, 10 June 1999. Also See UN Security Council Resolutions 1199 (23 September 1998), and 1203 (24 October 1998).
 73. UN Security Council Resolution 1315 (2000), and UN Security Council Resolution 1078 (1996).
 74. "We do not want freedom without bread, nor do we want bread without freedom." Human Rights vs. Exploitation, <http://sfr-21.org/humanrights.html>.
 75. "Women, Human Rights and Peace", http://www.pdhre.org/rights/women_and_conflict.html.